

Tracing the Formation and Dissemination of Illustrated Persian Lithographed Editions of the Shahnameh in the Indian and Iranian Centers, Based on the Collection of the Razavi Treasury

Mostafa La'l Shateri

*Corresponding author, Assistant Professor, Department of Archeology and History, Faculty of Literature and Humanities, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran. Email: mostafa.lalshateri@neyshabur.ac.ir. ORCID: <https://orcid.org/0000-0003-0236-8274>

Abstract

Objective: This study aims to examine the transformations that shaped the production of illustrated Shahnamehs during the historical transition from the manuscript-copying tradition to the age of mechanical print. Focusing on major production centers in India and Iran, it investigates the developmental trajectory, circulation, and dissemination of illustrated lithographed editions of the Shahnameh. The importance of this inquiry lies in reassessing the role of lithography as a powerful medium in making the Shahnameh more widely accessible, and in identifying the ways in which patterns of audience engagement changed from primarily oral reception to individual reading supported by a visual discourse. In this context, lithographic publication functioned not merely as a technical innovation, but as a cultural mechanism through which the epic could reach broader social groups.

Methodology: The present research employs a descriptive-analytical method and is based on the direct examination of fifteen copies preserved in the Ganjineh Razavi Collection, published between 1262/ 1845 and 1327/ 1909. The study systematically extracts and analyzes bibliographic data, codicological and physical features, and information concerning the individuals and agents involved in the illustration programs of these editions. The examined copies were produced in the important lithographic centers of Bombay, Kanpur, Lucknow, Tehran, and Tabriz. Through the comparative study of these editions, the research seeks to clarify the relationships among place of production, artistic practice, textual transmission, and visual organization.

Findings: The findings indicate that, from the perspective of production centers, India played a pioneering role in using Turner Macan's edition and maintained a relatively continuous quantitative presence in the production of lithographed Shahnamehs. Nevertheless, the evidence reveals a deep and sustained connection between Iranian artists—especially artists from Shiraz—and printing houses in India. This relationship complicates any simple geographical division between Indian and Iranian editions. From an artistic standpoint, the function of illustration in these works underwent a significant transformation: the image was no longer merely a courtly decorative element, as in many earlier manuscript traditions, but became an explanatory and interpretive device that facilitated public understanding of the text. As a result, a hybrid medium emerged in which text and image interacted organically, helping to sustain and transmit Iranian national identity within both national and transregional cultural settings.

Conclusion: The illustrated lithographed Shahnameh should not be regarded as a rupture from the earlier tradition of Persian painting, but rather as a creative reconfiguration of that tradition within a public and reproducible medium. The active presence of migrant artists and the cultural exchanges between India and Iran reduced the significance of geographical distinctions among editions and contributed to the formation of a transnational production network. By leaving the exclusive sphere of the court and entering the marketplace, these illustrated lithographed Shahnamehs preserved older pictorial conventions while also responding to the visual tastes of audiences largely shaped by the Qajar cultural milieu. In this sense, they constitute a fundamental bridge between the classical visual heritage and the emerging age of mass communication, and they therefore merit further study from diverse scholarly perspectives.

Keywords: Lithographic Medium; Printing Houses of India and Iran; Illustrated Persian Shahnameh; Agents of the Production Network; Artistic Geography

بررسی خط سیر تکوین و پراکنش شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی فارسی در کانون‌های هند و ایران بر اساس مجموعه گنجینه رضوی

مصطفی لعل شاطری

*نویسنده مسئول، استادیار، گروه باستان‌شناسی و تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.
رایانامه: mostafa.lalshateri@neyshabur.ac.ir. شماره ارجید: 0000-0003-0236-8274

تاریخ ارسال: ۱۴۰۵/۰۴/۱۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف واکاوی تحولات تولید شاهنامه‌های مصور طی گذار از عصر نسخه‌پردازی خطی به دوران صنعت چاپ، به بررسی خط سیر تکوین و پراکنش این اثر در کانون‌های هند و ایران می‌پردازد. ضرورت این مطالعه در بازشناسی جایگاه رسانه‌ای چاپ سنگی در عمومی‌سازی شاهنامه و تغییر الگوی مواجهه مخاطب از دریافت شفاهی به خوانش فردی مبتنی بر گفتمان بصری نهفته است.

روش پژوهش: تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، بر پایه مشاهده مستقیم ۱۵ نسخه موجود در گنجینه رضوی (انتشار: ۱۲۶۲-۱۳۲۷ق) استوار است. متعاقباً داده‌های کتاب‌شناختی و ویژگی‌های ظاهری و فعالان در برنامه‌های تصویرسازی این نسخ که در کانون‌های بمبئی، کانپور، لکهنو، تهران و تبریز تولید شده‌اند، به صورت نظام‌مند استخراج و واکاوی گردیده است.

یافته‌ها: مبنی بر یافته‌ها، از منظر کانون‌های تولید با وجود پیشگامی هند در بهره‌گیری از تصحیح ترنر ماکان و استمرار کمی در تولید، پیوند عمیقی میان هنرمندان ایرانی (به‌ویژه شیرازی) و چاپخانه‌های هند برقرار بوده است. همچنین از منظر هنری، تصویر در این آثار، از یک عنصر تزئینی درباری به ابزاری تبیینی برای فهم عامه تغییر ماهیت داده و رسانه‌ای ترکیبی پدید آورد که در آن متن و تصویر در تعاملی طبیعی، تداوم‌بخش هویت ملی در بستری ملی و فرامنطقه‌ای بوده‌اند.

نتیجه‌گیری: چاپ سنگی شاهنامه مصور، نه یک انقطاع، بلکه بازآفرینی خلاقانه سنت نگارگری در قالب رسانه‌ای عمومی است. حضور فعال هنرمندان مهاجر و تبادلات فرهنگی میان هند و ایران، تمایز جغرافیایی نسخه‌ها را کمرنگ کرده و یک شبکه تولید فرامرزی ایجاد نموده است. شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی با خروج از انحصار دربار و ورود به بازار، ضمن تثبیت سنت‌های تصویری کهن، مبنی بر ذائقه بصری مخاطبان عمدتاً قاجاری تولید شدند. این آثار، درواقع پل ارتباطی بنیادین میان میراث بصری کلاسیک و عصر ارتباطات جمعی محسوب می‌شوند که نیازمند مطالعه از ابعاد گوناگون است.

کلیدواژه‌ها: رسانه چاپ سنگی، چاپخانه‌های هند و ایران، شاهنامه مصور فارسی، فعالان شبکه تولید، جغرافیای هنری

مقدمه

شاهنامه پس از سرایش، در قلمروهای جغرافیایی هنری گوناگون بارها استنساخ شد و با پدید آمدن نخستین نسخه‌های مصور آن در کارگاه‌های کتاب‌آرایی، سنت پیوند میان متن و تصویر به تدریج در گستره‌ای وسیع از آسیا رواج یافت. در این فرایند، نگارگران کوشیدند مفاهیم، رخدادها و صحنه‌هایی را که فردوسی در قالب کلام منظوم پرداخته بود، به بیانی بصری ترجمه کنند و از رهگذر تصویرسازی، لایه‌ای تازه بر دریافت مخاطب از متن بیفزایند. نسخه‌های مصور متعددی که از قرن هشتم تا سیزدهم هجری در مراکز آرشویی و مجموعه‌های گوناگون جهان نگهداری می‌شوند، شاهی بر استمرار و اهمیت این سنت تصویری در تاریخ کتاب‌آرایی به‌شمار می‌آیند. با ورود صنعت چاپ سنگی به ایران و هند، روند تولید و انتشار شاهنامه صورتی تازه یافت. این شیوه، به سبب قابلیت‌های فنی و اقتصادی خود، امکان تکثیر متن و تصویر را در زمانی کوتاه‌تر و با هزینه‌ای به مراتب کمتر از نسخه‌های خطی فراهم ساخت. در این بین، افزودن تصویر به کتاب‌های چاپی، با حمایت ناشران و توسط تصویرگرانی که برخاسته از بستر اجتماعی زمانه خود بودند، موجب تقویت جلوه بصری این آثار شد و شاهنامه بیش از سایر متون، از این تحول بهره برد. در چنین بستری، برنامه تصویرسازی شاهنامه‌های چاپ سنگی نه تنها ادامه سنت نسخه‌های مصور پیشین بود، بلکه به واسطه شرایط جدید تولید کتاب، مخاطبانی گسترده‌تر یافت. این جریان همچنین نشان‌دهنده خروج نسبی شاهنامه‌های مصور از انحصار طبقات بالای جامعه و فراهم شدن امکان دسترسی عمومی‌تر به این اثر بود. در قرن سیزدهم هجری، خرید و تملک شاهنامه، به عنوان اثری ملی و نمادی از هویت ادبی فارسی، با استقبال قابل توجهی روبه‌رو شد. در پی این اقبال، چاپخانه‌داران تهران و تبریز، پس از تجربه‌های چاپی هند، به انتشار این اثر پرداختند و بدین ترتیب، شاهنامه در قالب کتاب چاپی مصور جایگاهی تازه در فرهنگ بصری و مکتوب ایران در میان مخاطبانی گسترده به دست آورد. در این راستا، مسئله محوری پژوهش حاضر آن است که خط سیر تکوین و الگوی پراکنش شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی در کانون‌های هند و ایران، بر پایه شواهد متقن موجود در گنجینه رضوی، چگونه بازتاب‌دهنده شکل‌گیری الگویی از انتشار فرامرزی و انتقال آگاهانه سنت‌های هنری از شبه‌قاره به چاپخانه‌های ایران است و این فرایند بازتولید الگو تا چه اندازه، تحت تأثیر ضرورت‌های فنی صنعت چاپ و اقتضات فرهنگی جامعه ایران و هند، به ایجاد شبکه‌ای تولیدی در بازنمایی حماسه ملی فردوسی انجامیده است. بر این اساس، پژوهش می‌کوشد با فراتر رفتن از توصیف صرف و با بهره‌گیری از کامل‌ترین آرشیو چاپ سنگی شاهنامه‌های مصور، به خط سیر تکوین و پراکنش شاهنامه‌های فارسی منتشرشده در هند و ایران دست یابد و بررسی نماید که این نمونه‌ها بر اساس چه روندی، از یک تجربه فن‌آورانه در هند، به رسانه‌ای هویت‌ساز و برخوردار از الگویی بصری نسبتاً متحدالشکل در کانون‌های نشر ایران، بدل شده‌اند.

پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در زمینه تصویرسازی کتاب‌های چاپ سنگی انجام شده است. با این حال، شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی موجود در یک آرشیو غنی، تاکنون به صورت تجمیعی، منسجم و یکپارچه بررسی نشده‌اند. نخستین پژوهش مشخص در این زمینه را صفی‌نژاد (۱۳۷۴)، در قالب مقاله‌ای با عنوان «شاهنامه‌های چاپ سنگی»، منتشر کرد. او در این مقاله، نخستین شاهنامه‌های مصور انتشاریافته در هند و ایران را به اختصار معرفی و با یکدیگر مقایسه نمود. پس از آن، مارزلف

(۲۰۰۳)، ظاهراً با الهام از الگوی پژوهشی صفی‌نژاد، در مقاله «نسخه‌های چاپ سنگی مصور فارسی از شاهنامه»، شمار شاهنامه‌های معرفی‌شده را به هفت نمونه افزایش داد. در ۲۰۰۶ نیز خلاصه‌ای از داده‌های همین مقاله، همراه با تصاویر، در کتابی به کوشش مارزلف و محمدی با عنوان *آلبوم شاهنامه* به چاپ رسید. در همان سال، مارزلف در مقاله دیگری با عنوان «آخرین شاهنامه قاجار: شاهنامه بهادری»، به معرفی توصیفی شاهنامه‌ای پرداخت که در پژوهش‌های پیشین او کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. ون‌زوتفن (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه‌ای تطبیقی در چاپ‌های سنگی شاهنامه فردوسی»، صرفاً ضمائم تعدادی از شاهنامه‌های چاپ سنگی را با رویکرد متن‌پژوهانه بررسی کرد. در ادامه، صمدی و لاله‌ای (۱۳۸۸) کتاب *تصاویر شاهنامه فردوسی به روایت میرزا علی‌قلی خویی* را تألیف کردند؛ اثری که تمرکز آن بر برنامه‌تصویرسازی تنها یک نسخه شاهنامه است. مارزلف (۲۰۱۲) نیز در مقاله «شاهنامه‌های چاپی: چاپ‌های سنگی حماسه ملی ایرانیان»، عمدتاً گزارشی فشرده از مباحث و یافته‌های پیشین خود ارائه کرده است.

افزون بر این پژوهش‌های آغازین، از دهه ۱۳۹۰ به بعد، موجی از تحقیقات علمی در قالب مقاله و پایان‌نامه در زمینه شاهنامه‌های مصور شکل گرفت. از جمله یآوری (۱۳۹۰) در پایان‌نامه «مطالعه تطبیقی ویژگی‌های تصویرسازی، شاهنامه چاپ سنگی امیر بهادر با دیگر شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی ایران»، محتاج‌الفضل (۱۳۹۰) در پایان‌نامه «بررسی فضا سازی و چیدمان در تصویرسازی‌های چاپ سنگی شاهنامه اولیا سمیع»، شهسواری (۱۳۹۳) در پایان‌نامه «بررسی شاهنامه‌های چاپ سنگی رنگی در دوره قاجار»، شیدا (۱۳۹۶) در پایان‌نامه «بررسی رابطه متن و تصویر در شاهنامه چاپی ۱۳۲۶ ق (محفوظ بر کتابخانه آستان قدس رضوی)»، خضرای‌راد (۱۳۹۸) در پایان‌نامه «تحلیل رابطه متن و تصویر در نگاره‌های شاهنامه چاپ سنگی شماره ۱۱۱۶۱ آستان قدس رضوی»، اسکندرزاده (۱۳۹۸) در پایان‌نامه «شناخت الگوهای فرمی در مصورسازی شاهنامه چاپ سنگی شماره ۳۷۳۱۵ محفوظ در آستان قدس رضوی»، لعل شاطری (۱۳۹۹) در مقاله «جایگاه بهره‌گیری از تصویرسازی‌های متون کهن در گفتمان‌سازی فرهنگی، مبتنی بر هویت ملی (مطالعه موردی شاهنامه چاپ سنگی ۱۲۶۷ ق)»، کیوانلو (۱۳۹۹) در پایان‌نامه «تحلیل شناختی نگاره‌های چهار شاهنامه چاپ سنگی موجود در مجموعه کتب خطی موزه آستان قدس رضوی»، محمدی‌پور (۱۳۹۹) در پایان‌نامه «بررسی تطبیقی نگاره دیو در تصاویر چاپ سنگی شاهنامه دوره قاجار»، قاسمیان (۱۴۰۰) در پایان‌نامه «مطالعه تطبیقی شخصیت‌پردازی رستم در کتب مصور چاپ سنگی شاهنامه فردوسی و رستم‌نامه»، بوذری و سالاروند (۱۴۰۰) در مقاله «مطالعه تطبیقی سرپوش‌ها در تصاویر چاپ سنگی شاهنامه ۱۲۶۲ ق. (بمبئی) شاهنامه ۶۷-۱۲۶۵ ق (تهران)»، باقری (۱۴۰۱) در پایان‌نامه «پژوهش تطبیقی شاهنامه خطی دوره صفوی با شاهنامه چاپ سنگی مصور شده در بمبئی سنه ۱۳۰۸»، مقدسی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه «خوانش نسخه چاپ‌سنگی شاهنامه علی‌قلی خویی از منظر نشانه‌شناسی»، لعل شاطری و جانتن (۱۴۰۲) در مقاله «مطالعه تطبیقی حضور بصری رخس در روایات شاهنامه (مطالعه موردی: نسخه چاپ سنگی ۱۲۶۷ ق)»، خوبشانی (۱۴۰۲) در پایان‌نامه «میزان تاثیرپذیری تصویرسازی‌های داستان سیاوش در شاهنامه‌های چاپ‌سنگی دوره قاجار از اشعار فردوسی»، لعل شاطری و آراسته (۱۴۰۲) در مقاله «واکاوی بازنمایی

1. Illustrated Persian Lithographic Editions of the Shahname.

2. The Last Qajar Shahnama: The Shahnama-yi Bahaduri.

3. Lithographed Editions of Firdawsi's Shahnama: A Comparative Study.

4. The Shahnama in Print: Lithographed Editions of the Persian National Epic.

زنان در تصویرسازی‌های شاهنامه‌های چاپ سنگی دوره قاجار»، رزمجو (۱۴۰۲) در پایان‌نامه «تحلیل تطبیقی ویژگی‌های تصویری نگاره‌های شاهنامه دآوری با شاهنامه چاپ سنگی، اثر میرزا علی‌قلی خویی»، حسینی (۱۴۰۳) در پایان‌نامه «واکاوی حضور بصری بهرام‌گور در شاهنامه‌های چاپ سنگی دوره قاجار»، فلاحي و دادور (۱۴۰۳) در مقاله «مطالعه باستان‌گرایی در نگاره‌های نسخه چاپ سنگی شاهنامه امیر بهادری»، سلیمانی (۱۴۰۳) در پایان‌نامه «بازنمایی شخصیت قهرمان در تصاویر شاهنامه امیر بهادری، براساس نظریه یونگ»، بانسی (۱۴۰۴)، «شمایل‌شناسی تصاویر شاهنامه چاپ سنگی کتابخانه آستان قدس رضوی (به شماره ثبت ۳۴۳۷۵)»، لعل شاطری و برادران (۱۴۰۴) در مقاله «نگرشی تحلیلی بر پیوند گونه‌های هنر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: بازتاب بصری حالات روحی رستم در شاهنامه چاپ سنگی ۱۲۶۷ق)»، زمانی‌پور و خسروی بیژانم (۱۴۰۴) در مقاله «نقش چاپ سنگی در تنوع سبک مصورسازی شاهنامه در دوره قاجار با تمرکز بر نگاره پادشاهی جمشید» و علوی (۱۴۰۴) در پایان‌نامه «بررسی رابطه متن و تصویر در شاهنامه چاپ سنگی به شماره ۳۷۳۱۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی».

آنچه مشهود است، در بسیاری از این پژوهش‌ها، با الهام یا گاه گرته‌برداری از مطالعات پیشین، یا به معرفی آثاری محدود پرداخته شده، یا بررسی‌ها به مطالعه موردی چند تصویر و مقایسه تصویرسازی‌های چند کتاب منحصر مانده است. برآیند مرور پژوهش‌های متقدم و متأخر نشان می‌دهد که توجه اصلی آن‌ها غالباً معطوف به تعداد محدودی از شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی بوده و در بیشتر موارد، تحلیل‌ها از سطح توضیحات کلی درباره ویژگی‌های بصری و نسبت تصویر با روایت‌های متنی فراتر نرفته است.

روش پژوهش

این پژوهش با کاربرست روش توصیفی-تحلیلی، به واکاوی منطق تکوینی و تبارشناسی پراکنش شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی در کانون‌های هند و ایران می‌پردازد تا پیوندهای ساختاری میان این دو حوزه بزرگ نشر را بازسناسد.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه شاهنامه‌های مصور چاپ‌سنگی فارسی محفوظ در مخزن کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی تشکیل می‌دهد؛ گنجینه‌ای که از حیث شمار و تنوع این آثار، از غنی‌ترین مراکز نگهداری شاهنامه‌های چاپ‌سنگی مصور به‌شمار می‌آید. تعداد شاهنامه‌های چاپ سنگی محفوظ در این مرکز، تا زمان نگارش مقاله، ۱۱۰ مورد است که برخی از این چاپ‌ها تکراری هستند. بخش عمده‌ای از این شاهنامه‌ها در هند منتشر شده و در میان آن‌ها، شمار چاپ‌های فاقد تصویر بیش از نمونه‌های مصور است. در این مخزن، نسخه‌های مصور فارسی از منظر تاریخ کتاب‌آرایی، سنت تصویرسازی و تداوم الگوهای بصری شاهنامه، جایگاهی ویژه دارند و در شمار نفایس مجموعه قرار می‌گیرند. از میان این آثار، با روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۵ چاپ غیرتکراری هند و ایران، در بازه زمانی ۱۲۶۲ تا ۱۳۲۷ق، برای بررسی انتخاب شد که گاه به‌صورت تک‌نسخه و گاه در چند نسخه مشابه از یک چاپ در مجموعه موجودند. نمونه‌های هندی، به‌ترتیب زمانی، شامل بمبئی (۱۲۶۶ق)، بمبئی (۱۲۷۲ق)، بمبئی (۱۲۷۵ق)، بمبئی (۱۲۷۶ق، دو چاپ)، کانپور (۱۲۹۱ق)، لکهنو (۱۳۰۱ق)، کانپور

(۱۳۱۴ق)، بمبئی (۱۳۱۵ق) و کانپور (۱۳۲۷ق) است و نمونه‌های ایرانی نیز تهران (۱۲۶۷ق)، تبریز (۱۲۷۵ق)، تهران (۱۳۰۷ق)، تبریز (۱۳۱۶ق) و تهران (۱۳۲۶ق) را در بر می‌گیرد. داده‌های ساختاری و اطلاعات کتاب‌شناختی این نسخه‌ها از طریق مشاهده مستقیم و مستندسازی نظام‌مند گردآوری شد و سپس با رویکردی تحلیلی مورد واکاوی قرار گرفت تا، با فراروی از توصیف صرف، خط سیر تکوین و پراکنش این آثار، چگونگی انتقال سنت تصویری از نسخه‌های خطی به رسانه چاپ و نیز مناسبات فرهنگی میان کانون‌های تولید در هند و ایران تبیین شود. بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با اتکا به این مجموعه کم‌نظیر، برای نخستین بار تصویری نسبتاً جامع و مستند از روند شکل‌گیری و گسترش شاهنامه‌های مصور چاپ‌سنگی فارسی به‌دست دهد؛ جریانی که می‌تواند مبنایی معتبر برای پژوهش‌های بعدی در حوزه تاریخ چاپ سنگی، کتاب‌آرایی دوره قاجار، سنت تصویری شاهنامه و مطالعات تطبیقی نسخه‌های چاپی مصور فراهم آورد.

ظهور چاپ در هند و ایران

پژوهشگران تاکنون تاریخ دقیقی برای ورود چاپ سنگی به هند تعیین نکرده‌اند، اما به احتمال قوی این فرایند بسیار زودتر از ورود آن به ایران آغاز نشده است (مارزلف؛ ۲۰۰۳، ص. ۱۷۸). شبه‌قاره هند، با پیشینه دیرپای فرهنگی و تمدنی، از قلمروهایی بود که ورود صنعت چاپ در آن پیامدهای مهمی پدید آورد. مسلمانان هند نیز، همانند مسلمانان ایران و عثمانی، در آغاز با چاپ همراهی نشان ندادند، اما به تدریج به اهمیت و کارکرد آن آگاهی‌یافته و از آن استقبال کردند (عقیل، ۱۳۹۱، ص. ۱۱؛ رابینسن؛ ۱۹۹۳، ص. ۲۳۹). چاپ در هند نخست به صورت سربی و سپس سنگی رواج یافت. فناوری حروف‌چاپی متحرک را یسوعی‌های پرتغالی با تأسیس نخستین چاپخانه در ۱۵۵۶م (۹۶۳ق) در کالج سن پاول گوا به شبه‌قاره آوردند. در ۱۵۸۰م (۹۸۸ق)، نسخه‌ای از کتاب مقدس چندزبانه سلطنتی به اکبر، پادشاه مغول هند، تقدیم شد، اما دربار مغول، به سبب برخورداری از شمار فراوان خطاطان و هنرمندان، از چاپ استقبال نکرد. باین‌همه، سرانجام چاپ عربی، فارسی و اردو از ۱۲۰۵ق به بعد در کلکته و زیر نظر کمپانی هند شرقی آغاز شد (فلور؛ ۱۹۹۹، ج. ۶، ص. ۸۰۴). ورود، گسترش و افول چاپ سربی و سنگی در هند با زبان فارسی پیوندی بنیادین داشت. از این رو، با راه‌اندازی رسمی چاپخانه‌ها، کتاب‌های فارسی و اردو در اولویت قرار گرفتند (قرگزولو؛ ۲۰۱۵، ص. ۶۲۲).

مبنی بر درخواست شرق‌شناسان وابسته به کمپانی هند شرقی برای رواج مظاهر تمدن جدید اروپایی، چارلز ویلکینز، کارمند کمپانی و آشنا با زبان‌های شرقی، مأمور تهیه حروف چاپی نستعلیق و تأسیس چاپخانه شد (شاو، ۱۳۸۶، ج. ۱۱، ص. ۶۲۷؛ بروس؛ ۲۰۲۲، ص. ۷۲۳؛ یاداو؛ ۲۰۲۱، ص. ۲۰۸). پس از اختراع حروف سربی او، آثار بسیاری به نستعلیق در هند منتشر شد، از جمله پندنامه سعدی (کلکته: ۱۲۰۲ق)، لیلی و مجنون هاتفی (کلکته: ۱۲۰۲ق)، دیوان حافظ (کلکته: ۱۲۰۶ق) و کلیات سعدی (کلکته: جلد اول: ۱۲۰۵ق، جلد دوم: ۱۲۱۰ق). در این بین، حمایت‌های کمپانی هند شرقی، همراه با گرایش جوانان هندی به فراگیری زبان فارسی برای کسب تربیت اداری و نفوذ در دستگاه‌های دولتی، جایگاه این زبان را تقویت کرد، چنانکه

1. Marzolph
2. Robinson
3. Floor
4. Karagozoglu
5. Bruce
6. Yadav

در ۱۲۴۶ق، زبان فارسی در ۲۱ مدرسه تدریس می‌شد. با این حال، این دوره در ۱۲۵۰ق پایان یافت، زیرا سر چارلز ترولیان، حکمران جدید، اعلام نمود بودجه‌ای برای چاپ کتاب و ترویج زبان و ادبیات شرق اختصاص نخواهد یافت و بهتر است هندیان به ادبیات و هنر اروپایی توجه کنند (غلامی جلیسه، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۲۵؛ غروی، ۱۳۵۰، ص. ۳۱).

مقارن با این چرخش رویکرد، آگاهی از اختراع چاپ سنگی توسط یوهان آلوئیس زنفلدر، نمایشنامه‌نویس اتریشی، اهمیت یافت؛ فناوری که او در پاسخ به هزینه بالای چاپ سربی و بر پایه واکنش شیمیایی اسید و روغن بر سنگ‌آهک در ۱۲۱۵ق ابداع کرد (لعل شاطری، ۱۴۰۱، ص. ۲۰۹، ۲۲۷؛ گیلmour^۱، ۱۹۹۶، ص. ۴۷۹). چاپ سربی برای چاپخانه‌داران هندی پرهزینه، دشوار و پیچیده بود، به‌ویژه در تولید کتاب‌های چندزبانه که به ترکیب‌های متنوع فونت نیاز داشت. در مقابل، چاپ سنگی با مشارکت یک کاتب انجام می‌شد و برای اهل نسخه‌پردازی نیز فرصت‌های شغلی تازه فراهم می‌کرد. هرچند این روش در آغاز، به سبب واردات سنگ مناسب از اروپا، گران بود، کشف ذخایر بزرگ سنگ چاپ در آندرا پرادش ایالات جنوبی هند در ۱۲۴۱ق آن را به سرعت ارزان‌تر از چاپ سربی و در دسترس گروه‌های گوناگون جامعه قرار داد (استوری^۲، ۱۹۹۳، ص. ۲۹؛ استارک^۳، ۲۰۰۷، ص. ۴۵؛ شاه^۴، ۲۰۱۷، ص. ۱۳۹). چاپ سنگی در اواسط دهه ۱۲۳۰ق وارد هند شد و به سرعت جای چاپ سربی را گرفت و در سراسر شمال هند، چاپخانه‌هایی برای نشر کتاب‌های اسلامی پدید آمدند: پتنه (۱۲۴۴ق)، کانپور (۱۲۴۶ق)، دهلی و میروت (۱۲۵۰ق)، آگره (۱۲۵۱ق)، لودیانه (۱۲۵۲ق)، میرزاپور و الله‌آباد (۱۲۵۵ق)، بنارس (۱۲۶۰ق) و نقاط دیگر. گلستان و بوستان سعدی از نخستین آثار فارسی چاپ‌سنگی این دوره بودند که در کلکته، به ترتیب در ۱۲۴۳ق و ۱۲۴۴ق، منتشر شدند. رشد لکهنو، به مثابه کانون اصلی چاپ سنگی اردو و فارسی، نشانه گذار از چاپ سربی به چاپ سنگی بود. نواب غازی‌الدین حیدر در ۱۲۳۲ق چاپخانه سلطنتی را بنیاد نهاد که مشهورترین اثر آن، فرهنگ فارسی حروف‌چینی‌شده هفت قُلُوم (۱۲۳۵-۱۲۳۷ق)، بود. در بمبئی نیز انوارسهریلی و دیوان حافظ، هر دو در ۱۲۴۴ق، از نخستین آثار چاپ‌سنگی بودند (شاه، ۱۳۸۶، ج. ۱۱، ص. ۶۲۹).

نخستین چاپخانه سنگی بمبئی حدود ۱۲۴۰ق تأسیس شد و میرزا حسن شیرازی در ۱۲۴۳ق نسخه‌ای از انوار سهریلی را در آن چاپ کرد. در اواخر دهه ۱۲۶۰ق، هجده چاپخانه فعال بود و در اواخر قرن نوزدهم میلادی، بیست چاپخانه دیگر بدان افزوده شد؛ هرچند تنها برخی از آن‌ها کتاب فارسی منتشر می‌کردند. بیشترین شمار کتاب‌های فارسی را چاپخانه‌های سنگی خانواده پل‌بندری عرضه کردند. چاپخانه‌های محمدی از دهه ۱۲۵۰ق تا پایان قرن سیزدهم هجری با مالکان متعدد، دادومیان از دهه ۱۲۶۰ق تا ۱۲۸۰ق، دات‌پرساد از دهه ۱۲۹۰ق تا اوایل قرن چهاردهم هجری و ناصری از اواسط دهه ۱۲۹۰ق تا اوایل قرن چهاردهم هجری و مرتبط با کتابفروشان ایرانی، نیز در این عرصه فعال بودند. در این میان، میرزا محمد ملک‌الکتاب شیرازی، ناشر و کتابفروش مرتبط با کتابفروشان ایران، ترکیه و مصر، از پیشگامان مهم چاپ کتاب‌های سنگی در بمبئی به شمار می‌رفت (شچگلوا^۵، ۲۰۱۲). با این حال، دوره چاپ سنگی کتاب‌های فارسی در هند در دهه نخست قرن بیستم میلادی پایان یافت. با دگرگونی جایگاه زبان فارسی در جامعه هند، میزان و کارکرد چاپ کتاب فارسی نیز تغییر کرد. با وجود انتشار

1. Gilmour

2. Story

3. Stark

4. Shah

5. Shcheglova

گسترده آثار کهن و جدید، از کتاب‌های درسی و دانشنامه‌ها تا رساله‌های دینی، دیوان شاعران و داستان‌های بلند، ناشران غالباً می‌کوشیدند آثاری برخوردار از بین‌مایه اخلاقی یا فکری را در فهرست خود بگنجانند. از این‌رو، حتی ناشرانی که عمدتاً به اردو یا هندی کتاب چاپ می‌کردند، معمولاً برخی دست‌ورزبان‌ها یا متون ادبی مشهور فارسی را نیز منتشر می‌ساختند. متعاقباً آثار فارسی، به‌عنوان زبانی ادبی و معتبر، به ارتقای منزلت دیگر آثار همان ناشر یاری می‌رساند، زیرا آن‌ها را در چارچوب زبانی و زیبایی‌شناختی قرار می‌داد که از پیش ارزشمند تلقی می‌شد (شاه، ۲۰۱۷، ص. ۱۴۰).

در ایران، نخستین کاربرد واژه «چاپ» و بهره‌گیری از ابزارهای ابتدایی آن به روزگار گیخاتو (۶۹۳ق) بازمی‌گردد؛ زمانی که به‌الگو از چین و برای رفع بحران مالی حکومت، پول کاغذی «چاو» در تبریز و در نهادهای موسوم به «چاوخانه» تولید و منتشر شد، اما به‌زودی از رواج افتاد (جان، ۱۹۷۰: ۱۲۳). در دوره صفوی خاجاطور کیساراتسی (۹۹۸-۱۰۵۶ق) مهم‌ترین فعال در عرصه ورود صنعت چاپ به ایران بود. در ۱۰۴۸ق، کیساراتسی در مدرسه جلفای اصفهان نخستین چاپخانه ابتکاری را پدید آورد و چند کتاب منتشر کرد. پس از او هوانس جوغایتسی در ۱۰۵۵ق و استپانوس جوغایتسی در ۱۰۹۷ق آن را در جلفای نو بازگشودند، اما پس از انتشار محدود چند اثر، مجدد تعطیل شد (اصلانیان، ۱۳۹۹، ص. ۱۶-۱۸). هم‌زمان با ارمنیان و شاید اندکی زودتر، گروه‌هایی از مسیحیان، از جمله کارملیت‌ها نیز در پی ورود چاپ به ایران بودند. بر پایه علاقه شاه‌عباس اول، به وساطت جان تادئوس، دستگاهی چاپ در ۱۰۳۳ق از رم فرستاده شد و با تأخیر در ۱۰۳۹ق به اصفهان رسید، هرچند از سرانجام آن اطلاعی در دست نیست. در مجموع، رشد چاپ در عصر صفوی از یک‌سو به رویکرد شاه و از سوی دیگر به کشاکش میان ارمنیان و دیگر صنوف مرتبط با تولید آثار مکتوب، مانند خوشنویسان، وابسته بود؛ کشاکشی که به قبض و بسط‌های آغازین این صنعت و در نتیجه، به تأخیر در گسترش آن انجامید (فلور، ۱۹۸۰، ص. ۳۷۰؛ خانباقی، ۲۰۰۶، ص. ۱۳۴). این تأخیر را می‌توان مبنی بر عواملی چون عدم رواج چاپ در سرزمین‌های همسایه، بی‌میلی حاکمان به توسعه دانش، بی‌سوادی عمومی، دشواری بومی‌سازی صنعت چاپ و به ویژه اتکای مسلمانان به سنت شفاهی حفظ و انتقال دانش و نیز کراهت اعتقادی نسبت به ابزار ابداع‌شده به‌دست کافران دانست. هرچند به تدریج، با آشکار شدن آثار سودمند چاپ در اروپا، حامیان علم و نیز حکمرانان، آن را نه‌فقط برای اصلاحات اجتماعی و گسترش دانش، بلکه برای تقویت آموزه‌های اسلامی نیز به‌کار گرفتند (رفاعی، ۱۴۱۴، ص. ۴۳؛ رایبسن، ۱۹۹۳، ص. ۲۳۴؛ عقیل، ۲۰۰۹، ص. ۱۰).

ورود رسمی و جدی چاپ سربی به ایران در دوره قاجار و با ابتکار عباس‌میرزا نایب‌السلطنه آغاز شد. او در ۱۲۳۳ق زین‌العابدین تبریزی را برای آموختن فن چاپ و تأسیس چاپخانه به تبریز اعزام نمود و در همان سال نخستین کتاب با عنوان رساله جهادیه اثر میرزا بزرگ قائم‌مقام، منتشر شد (لعل شاطری، ۱۴۰۴، ص. ۱۸۵). فعالیت چاپخانه‌های سربی در دو دوره تداوم یافت: ۱۲۷۳-۱۲۳۳ق و ۱۲۹۱-۱۳۴۳ق. با این‌همه، در دوره نخست نیز از ۱۲۶۹ق به بعد، فعالیت این چاپخانه‌ها به‌شدت محدود شد و چاپ سنگی در حال جانشینی آن بود (بابازاده، ۱۳۷۸، ص. ۲۵). هرچند چاپ سربی در ایران بر پایه حروف چینی استوار بود، آثار دوره اول همچنان از حیث صورت و ظاهر به نسخه‌های خطی شباهت داشتند (گرین، ۲۰۱۰، الف، ص. ۴۸۸)، اما

1. Jahn
2. Khanbaghi
3. Aqeel
4. Green

محدودیت‌های ذاتی این شیوه، به تدریج گرایش به چاپ سنگی را تقویت کرد. این گذار عمدتاً از سه عامل ناشی می‌شد: سهولت فنی و سرعت بیشتر چاپ سنگی، کاهش محسوس هزینه تولید به واسطه نیروی کار ارزان و برتری زیبایی‌شناختی آثاری که با اقتباس از خوشنویسی، مقبولیت عام می‌یافتند (شچگلوا، ۱۳۸۸، ص. ۴۶). همزمان، کاهش حمایت نهادی و فقدان متخصصان کلیدی، افول چاپ سربی را تشدید کرد و به رکودی بیست‌ساله انجامید (مارزلف، ۲۰۰۷، ص. ۲۱۵). چاپ سنگی، برخلاف چاپ سربی، با فاصله‌ای اندک از زمان ابداعش در ۱۲۱۵ق به ایران راه یافت. نخستین اقدامات جدی برای شناخت و انتقال این فن مجدد با پشتیبانی عباس میرزا انجام شد، از جمله اعزام الله‌وردی نقاش، در ۱۲۳۶ق به تفلیس و میرزا جعفر در ۱۲۴۰ق به مسکو. مدتی بعد، میرزا صالح شیرازی با اعزام میرزا اسدالله به مسکو و نیز سفر خود به روسیه در ۱۲۴۴ق، مقدمات انتقال تجهیزات لازم جهت برپایی چاپ سنگی در تبریز را فراهم آورد. سرانجام در ۱۲۴۸ق، نخستین چاپخانه سنگی ایران توسط میرزا صالح در تبریز تأسیس شد و نخستین اثر آن قرآن منتشر شده در ۱۲۴۹ق بود و دومین اثر، زادالمعاد، با دو سال تأخیر در ۱۲۵۱ق انتشار یافت (مارزلف، ۲۰۰۲، ص. ۲۵۶؛ گرین، ۲۰۱۰، ص. ۳۰۸).

شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی

تلاش برای چاپ شاهنامه با نشر منتخباتی توسط هاگمن در گوتینگن (۱۲۱۵ق) آغاز شد. متعاقباً ماتیو لمسدن در کلکته، نخستین مجلد شاهنامه را با حروف سربی و خط نستعلیق، تحت نظارت کمپانی هند شرقی منتشر کرد. او با بهره‌گیری از ۲۷ نسخه خطی، قصد انتشار شاهنامه در هشت مجلد را داشت که به دلیل محدودیت منابع مالی، تنها مجلد نخست به طبع رسید و از منظر علمی نیز اعتبار چندانی نیافت (تمیم‌داری، ۱۳۸۸، ص. ۶۸). سرانجام نخستین تصحیح کامل و روش‌مند شاهنامه به کوشش ترنر ماکان، مترجم انگلیسی مستقر در هند، تدوین شد. او با حمایت مالی نصیرالدین حیدر (پادشاه اوده) و بر اساس بیست نسخه خطی، این اثر را در چهار مجلد با حروف سربی و خط نسخ در ۱۲۴۵ق منتشر کرد (فردوسی، ۱۲۴۵، ج ۱، ص. ۶۲). این چاپ به دلیل جامعیت و اعتبار علمی، به مرجع اصلی محققان و الگوی چاپ‌های بعدی در هند و ایران بدل گشت (افشار، ۱۳۴۷، ص. ۱۹۲؛ هوجسن^۱، ۲۰۲۰، ص. ۱۰۲۳). در پهنه آسیا، چاپ سنگی شاهنامه به دلیل کاهش هزینه‌ها و امکان مالکیت شخصی، بر چاپ سربی پیشی گرفت. در این نسخه‌ها، علاوه بر متن (که غالباً بر پایه تصحیح ماکان بود)، آرایه‌های بصری و تصویرسازی اهمیت ویژه‌ای داشت تا تداوم‌بخش سنت نسخه‌های خطی مصور باشد (مارزلف، ۲۰۱۲، ص. ۶۵). در آغاز رواج چاپ سنگی در هند و ایران، ساختار کتاب‌ها آشکارا از نسخه‌های خطی پیروی می‌کرد، اما به تدریج ویژگی‌هایی مستقل یافت، از جمله صفحه‌عنوان با عبارات دعایی، نام نویسنده، عنوان کتاب، مکان و زمان انتشار، نقوش تزئینی خاص، صفحه‌شمار، درج عنوان اثر و شماره جلد و گاه عنوان فصل در بالای صفحات، تبدیل ترقیمه نسخه‌های خطی به یادداشت ناشر و رواج کتاب‌های دوزبانه یا چندزبانه با صفحه‌آرایی متناسب. با این حال، کتاب‌های چاپ سنگی در آغاز بیشتر بازتولید متن بی‌ترین بودند، هرچند ناشران در چند دهه بعد، به‌ویژه در عرصه تصویرسازی، امکانات این شیوه را گسترش دادند و با تصویرگران وارد تعامل شدند (شچگلوا، ۱۹۹۹، ص. ۱۲، ۱۵، ۱۸؛ مارزلف، ۲۰۰۱، ص. ۱۸؛ لنزلو^۲، ۲۰۱۸، ص. ۲۶۳).

1. Hodgson

2. Lanzillo

این روند، چاپ سنگی را به تدریج جانشین نسخه‌نویسی کرد و گونه‌ای تازه از کتاب پدید آورد. کتابی که تصویرسازی‌هایش، هرچند ساده‌تر از نگاره‌های نسخه‌های خطی بود، فهم‌پذیری بیشتری برای عموم داشت و متن را تکمیل می‌کرد. هنرمندان این حوزه، از یک‌سو بر میراث نگارگری تکیه داشتند و از سوی دیگر، به شیوه تازه‌ای روی آوردند که در آغاز ناآشنا می‌نمود، اما به سرعت بر آن مسلط شدند. در این میان، با وجود جایگاه ممتاز شاهنامه در ادب فارسی و هویت ملی ایران، اطلاعات کتاب‌شناختی نسخه‌های چاپی آن همچنان ناکافی است. پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر نسخه‌های خطی شاهنامه متمرکز بوده‌اند، یا برای دستیابی به متنی معتبر، یا برای بررسی ارزش‌های هنری نسخه‌ها، از جمله تذهیب و نگارگری. از این‌رو، چاپ‌های متعدد هندی و ایرانی شاهنامه، با وجود اهمیت‌شان در دسترس‌پذیرسازی متن، کمتر موضوع پژوهش جدی قرار گرفته‌اند (مارزلف، ۱۹۹۹، ص. ۳۳۳-۳۳۴؛ ۲۰۱۲، ص. ۶۴؛ ۲۰۰۳، ص. ۱۷۷). با وجود تیراژ تقریبی چهارصد تا هفتصد نسخه‌ای کتاب‌های چاپ سنگی در هر نوبت چاپ، کثرت خوانش منجر به فرسودگی و نابودی تدریجی بخش اعظم این آثار شده است، به گونه‌ای که امروزه بسیاری از این شاهنامه‌های مصور، آثاری منحصر به فرد و یگانه محسوب می‌شوند که تنها نمونه‌هایی اندک از آن‌ها در مجموعه‌های خصوصی یا کتابخانه‌ها باقی مانده است.

۱۲۶۲ق بمبئی! نخستین شاهنامه چاپ سنگی مصور در ۱۲۶۲ق در هند منتشر شد. سرزمینی که خاورشناسان بریتانیایی نخستین نسخه‌های تصحیح‌شده این اثر را در آنجا آماده و روانه بازار کردند. از دیگر سو، جامعه پارسیان ثروتمند نیز از این رهگذر با گذشته شکوهمند خویش آشنا می‌شدند و نیز انتشار و استقبال از این اثر را می‌توان نوعی اشاره به تمدن کهن هند نیز به شمار آورد (مارزلف، ۲۰۱۱، ص. ۹۴؛ ۲۰۰۹، ص. ۱۸۲). شاهنامه ۱۲۶۲ق به همت محمد مهدی اصفهانی، با کتابت سیدرضا حسینی شیرازی و همکاری نقاشی ناشناس که در تصویرسازی‌ها رَقَمی (امضاء) از او دیده نمی‌شود، در چاپخانه کنیت راوکر شناچی در بندر بمبئی به چاپ رسید (تصویر ۱). محمد مهدی اصفهانی در انتشار این شاهنامه، از تصحیح ترنر ماکان و نیز نسخه‌های خطی دیگر الهام گرفت. مشخصات ظاهری این شاهنامه عبارت است از: جلد مقوایی با روکش تیماج قهوه‌ای که تنها آرایه تزئینی آن جدول ضربی دوخطی است. ارتباط میان جلد، شیرازه و اوراق مطلوب است. کاغذ به احتمال فراوان از نوع فرنگی و به رنگ نخودی است. هر صفحه دارای چهار ستون است که اشعار به خط نستعلیق درون آن‌ها قرار گرفته و توسط جدولی دوخطی و کمندی تکی خط احاطه شده‌اند. ابعاد هر برگ ۳۲×۲۲ cm و ابعاد نوشتار متن ۲۴×۱۵ cm در ۲۷ سطر است. این چاپ در مجموع ۱۲۶۷ صفحه دارد: ۱ صفحه عنوان، ۲ صفحه مقدمه مصحح، ۲۴ صفحه دیباچه، ۳ صفحه هجونا، ۱۱۰۴ صفحه در چهار جلد (جلد اول: ۱-۳۲۸، جلد دوم: ۳۲۹-۵۶۴، جلد سوم: ۵۶۵-۸۵۱، جلد چهارم: ۸۵۲-۱۱۰۴)، ۱۰۱ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی) و ۳۲ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۵۷ تصویرسازی توسط نقاشی ناشناس است.

^۱. این نمونه در کتابخانه ملی تهران (به شماره ثبت ۸۰۴۰) نگهداری می‌شود، اما به این دلیل که نخستین شاهنامه چاپ سنگی مصور دنیا و به منزله الگویی آغازین محسوب می‌شود، پرداختن به آن ضروری است.

۱۲۶۶ق بمبئی: دومین نسخه چاپ سنگی مصور شاهنامه، در ۱۲۶۶ق، بار دیگر در هند منتشر شد. این شاهنامه به فرمایش محمدباقر شیرازی و به سعی و اهتمام رتنجی کاوس جی صراف، با کتابت سید رضا حسینی شیرازی و تصویرگری میرزا علی اکبر، در چاپخانه کنیت راوکر شناجی در بندر بمبئی انتشار یافت (تصویر ۲). مشخصات ظاهری این نسخه از شاهنامه عبارت است از: جلد مقوایی با روکش تیماج قهوه‌ای با آرایه‌های تزیینی شمشه‌ای کوچک درون کادر مرکزی و جدول زنجیره‌ای طلایی ضربی. اتصال میان جلد، شیرازه و اوراق از استحکام مطلوبی برخوردار است. کاغذ به احتمال فراوان از نوع فرنگی و به رنگ نخودی مایل به نباتی است. هر صفحه دارای چهار ستون است که اشعار به خط نستعلیق در آن‌ها جای گرفته و توسط جدولی دوخطی و کمندی تک‌خطی محصور شده‌اند. ابعاد هر برگ $19 \times 5/29$ cm و ابعاد نوشتار $14 \times 5/23$ cm در ۲۷ سطر است. این چاپ در مجموع ۱۲۶۱ صفحه دارد: ۱ صفحه عنوان، ۲ صفحه فهرست سلاطین، ۲۰ صفحه دیباچه، ۳ صفحه هجونا، ۱۱۰۲ صفحه برای چهار جلد (جلد اول: ۱-۳۲۸، جلد دوم: ۳۲۹-۵۶۴، جلد سوم: ۵۶۵-۸۵۲، جلد چهارم: ۸۵۳-۱۱۰۲)، ۱۰۱ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی) و ۳۲ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۵۸ تصویرسازی توسط میرزا علی اکبر است.

۱۲۶۷ق تهران: سومین شاهنامه چاپ سنگی مصور جهان و نخستین شاهنامه از این نوع در ایران، در ۱۲۶۷ق مراحل تولید خود را در تهران پشت سر نهاد و با الگوبرداری متنی و تصویری از چاپ ۱۲۶۲ق به پایان رسید و منتشر شد.^۱ این شاهنامه به فرمایش حاجی محمدحسین طهرانی، با کتابت مصطفی قلی بن محمدهادی سلطان کجوری و تصویرسازی میرزا علی‌قلی خویی، در چاپخانه حاجی عبدالمحمد رازی در تهران انتشار یافت (تصویر ۳). مشخصات ظاهری این چاپ از شاهنامه عبارت است از: جلد تماماً مرمتی (گالینگور زرشکی) و فاقد آرایه تزیینی. به واسطه مرمت در چند دهه اخیر، ارتباط میان جلد، شیرازه و اوراق مطلوب می‌نماید. کاغذ از نوع فرنگی با رنگ نخودی مایل به نباتی است. هر صفحه دارای چهار ستون است که اشعار به خط نستعلیق درون آن‌ها جای گرفته و با جدولی دوخطی محصور شده‌اند. ابعاد هر برگ $19 \times 5/33$ cm، ابعاد نوشتار متن 15×26 cm و هر صفحه مشتمل بر ۲۹ سطر است. این چاپ در مجموع ۱۱۷۴ صفحه دارد: ۱ صفحه عنوان، ۲ صفحه مقدمه مصحح، ۲ صفحه هجونا، ۲۱ صفحه دیباچه، ۱۰۲۵ صفحه شامل چهار جلد (جلد اول: ۱-۳۰۸، جلد دوم: ۳۰۹-۲۶۸، جلد سوم: ۲۶۸-۱، جلد چهارم: ۱-۲۳۴)، ۹۴ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۲۷ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه و دو صفحه فهرست سلاطین. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۵۸ تصویرسازی اثر میرزا علی‌قلی خویی است.

^۱ محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۴۳۶۴۳.

^۲ محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت ۱۱۱۶۱. از این چاپ نمونه‌های دیگری نیز در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی به شماره ثبت ۴۳۴۳۱، ۱۸۰۰ و ۴۵۸۰۳ نگهداری می‌شود.

^۳ بر اساس تاریخ‌های مندرج در صفحات گوناگون، مراحل چاپ این اثر در ۱۲۶۵ق آغاز و در ۱۲۶۷ق به اتمام رسیده است. به همین دلیل، الگوبرداری از چاپ ۱۲۶۲ق مورد توجه ناشران و تولیدکنندگان قرار گرفته است، زیرا پیش از آن تاریخ، هنوز چاپ دوم (۱۲۶۶ق) در دسترس نبوده است.

۱۲۷۲ق بمبئی! چهارمین نسخه از چاپ سنگی مصور شاهنامه، ۱۲۷۲ق در هند منتشر شد. این شاهنامه به فرمایش محمدباقر شیرازی، با کتابت محمدابراهیم اولیاء سمیع شیرازی و تصویرگری سید محمد بن میرزا کاظم حسینی شیرازی، در چاپخانه دادومیان دهایی در بندر بمبئی به چاپ رسید. این اثر با مدحیه‌هایی از سوی دست‌اندرکاران ایرانی مقیم هند همراه بوده و به‌نظر می‌رسد به ناصرالدین شاه قاجار هدیه شده باشد. مبنی بر شواهد متنی، کاتب که گویا مدتی پیش از ایران به هند سفر کرده بود، در ملاقات با محمدباقر تاجر شیرازی به مشارکت در تولید این اثر ترغیب می‌گردد. همچنین غزلی از محمدباقر تاجر شیرازی (آقا) در ابراز دلتنگی او نسبت به ایران مشاهده می‌شود (تصویر ۴). مشخصات ظاهری این نسخه از شاهنامه عبارت است از: جلد مقوایی با روکش تیماج زرشکی برخوردار از آرایه‌های تزیینی همچون شمشه‌ای کوچک درون کادر مرکزی و جدول زنجیره‌ای طلایی ضربی. عطف دچار فرسودگی شده و اتصال جلد و شیرازه نیازمند مرمت است، اما ارتباط میان شیرازه و اوراق همچنان مطلوب است. کاغذ به‌احتمال فراوان از نوع فرنگی و به‌رنگ نباتی است. هر صفحه دارای شش ستون است که اشعار به‌خط نستعلیق در آن‌ها جای گرفته و توسط جدولی دوخطی احاطه شده‌اند. ابعاد هر برگ $۳۷,۵ \times ۲۴,۵$ cm و ابعاد نوشتار متن $۱۹,۵ \times ۳۰$ cm در ۳۳ سطر است. این چاپ در مجموع ۷۰۴ صفحه دارد: ۲ صفحه عنوان و فهرست سلاطین، ۱۱ صفحه دیباچه، ۲ صفحه هجونه، ۶۱۹ صفحه شامل چهار جلد (جلد اول: ۱-۱۸۰، جلد دوم: ۱-۱۳۱، جلد سوم: ۱-۱۵۹، جلد چهارم: ۱-۱۴۹)، ۵۷ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۱۲ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه، ۱ صفحه اتمام کتاب. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۵۸ تصویرسازی اثر سید محمد حسینی شیرازی است.

۱۲۷۵ق بمبئی^(الف)! پنجمین نسخه چاپ سنگی مصور شاهنامه، ۱۲۷۵ق در هند منتشر شد. این شاهنامه به سفارش محمدصادق شیرازی و با سعی و اهتمام میرزا مطلب، به کتابت سید عبدالکریم طباطبایی اصفهانی اردستانی و محمد شیرازی و تصویرگری میرزا محمدعلی، در چاپخانه محمدباقر شیرازی در بندر بمبئی انتشار یافت (تصویر ۵). مشخصات ظاهری این نسخه از شاهنامه عبارت است از: جلد مقوایی با روکش تیماج قهوه‌ای با شمشه‌ای کوچک درون کادر مرکزی و جدول زنجیره‌ای طلایی ضربی. ارتباط میان جلد، شیرازه و اوراق مطلوب است. کاغذ به‌احتمال فراوان از نوع فرنگی و به رنگ نخودی می‌باشد. هر صفحه دارای شش ستون است که اشعار به خط نستعلیق درون آن‌ها جای گرفته و توسط جدولی دوخطی احاطه شده‌اند. ابعاد هر برگ $۲۴,۵ \times ۲۷$ cm و ابعاد نوشتار متن $۱۹,۵ \times ۳۱$ cm در ۳۷ سطر می‌باشد. این چاپ در مجموع ۶۳۵ صفحه دارد: ۳ صفحه عنوان و فهرست سلاطین، ۱۱ صفحه دیباچه، ۲ صفحه هجونه، ۵۶۲ صفحه شامل چهار جلد (جلد اول: ۱-۱۶۸، جلد دوم: ۱۶۹-۲۸۸، جلد سوم: ۱-۱۴۵، جلد چهارم: ۱-۱۲۹)، ۴۲ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۱۴ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه، ۱ صفحه اتمام کتاب. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۵۸ تصویرسازی اثر میرزا محمدعلی است.

^۱. محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۹۲۱۹. از این چاپ نمونه دیگری نیز در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره ثبت ۳۵۱۴۱ نگهداری می‌شود.

^۲. محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۳۹۵۵۱. از این چاپ نمونه‌های دیگری در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره ثبت ۳۹۵۰۳ و ۵۱۵۷۱ نگهداری می‌شود.

۱۲۷۵ق تبریز^(ب)! ششمین نسخه چاپ سنگی مصور شاهنامه، ۱۲۷۵ق در تبریز منتشر شد. این چاپ به سعی و اهتمام محمدتقی نخجوانی، با کتابت عسکر اردوبادی و تصویرگری استاد ستار، در چاپخانه مشهدی حاجی آقا تبریزی در تبریز انتشار یافت (تصویر ۶). مشخصات ظاهری این شاهنامه عبارت است از: جلد مقوایی با روکش تیماج قهوه‌ای و فاقد هرگونه آرایه تزئینی. ارتباط میان جلد، شیرازه و اوراق از یکدیگر جدا شده و نیازمند مرمت است. لبه‌های بیشتر اوراق اسیدی و شکننده شده‌اند. کاغذ از نوع فرنگی و به رنگ نخودی است. هر صفحه دارای شش ستون می‌باشد که اشعار به خط نستعلیق درون آن‌ها جای گرفته و توسط جدولی سه‌خطی احاطه شده‌اند. ابعاد هر برگ ۲۲×۳۵ cm و ابعاد نوشتار متن ۱۹.۵×۲۹ cm در ۲۹ سطر می‌باشد. این چاپ در مجموع ۸۴۱ صفحه دارد: ۳ صفحه عنوان و مقدمه، ۱۵ صفحه دیباچه، ۲ صفحه هجونا، ۷۳۳ صفحه شامل چهار جلد (جلد اول: ۲۱-۲۳۶، جلد دوم: ۲۳۷-۳۹۲، جلد سوم: ۳۹۳-۵۸۷، جلد چهارم: ۵۸۹-۷۵۳)، ۶۴ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۲۳ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه، ۱ صفحه تصویر چاپچی. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۵۷ تصویرسازی اثر استاد ستار است.

۱۲۷۶ق بمبئی^(الف)! هفتمین نسخه چاپ سنگی مصور شاهنامه، ۱۲۷۶ق در بمبئی منتشر شد. این شاهنامه به سعی، اهتمام و کتابت محمدابراهیم اولیاء سمیع شیرازی و با تصویرگری میرزا علی‌اکبر، در چاپخانه دادومیان دهایی انتشار یافت (تصویر ۷). مشخصات ظاهری این نسخه عبارت است از: جلد تماماً مرمتی (گالینگور زرشکی) و فاقد هرگونه آرایه تزئینی. اتصال میان جلد، شیرازه و اوراق در وضعیت مطلوبی قرار دارد. کاغذ به احتمال فراوان از نوع فرنگی با رنگ نباتی است. هر صفحه شامل شش ستون است که اشعار به خط نستعلیق در آن‌ها جای گرفته و با جدولی دوخطی محصور شده‌اند. ابعاد هر برگ ۲۲×۳۳ cm و ابعاد متن نوشتاری ۱۶×۲۶ cm است و هر صفحه شامل ۳۲ سطر می‌باشد. این چاپ در مجموع ۷۱۸ صفحه دارد: ۱۴ صفحه دیباچه، ۲ صفحه هجونا، ۶۳۳ صفحه متن اصلی شامل چهار جلد (جلد اول: ۱-۱۸۸، جلد دوم: ۱-۱۳۶، جلد سوم: ۱-۱۶۵، جلد چهارم: ۱-۱۴۴)، ۵۸ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۱۰ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه، ۱ صفحه شرح حال راقم. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۵۹ تصویرسازی اثر میرزا علی‌اکبر است.

۱۲۷۶ق بمبئی^(ب)! هشتمین نسخه چاپ سنگی مصور شاهنامه، ۱۲۷۶ق در بمبئی منتشر شد. این چاپ به فرمایش محمدصادق شیرازی و با کتابت سید عبدالکریم طباطبایی اصفهانی اردستانی و محمدرضا بن محمدحسین خوشنویس شیرازی صورت گرفت و تصویرگری آن بر عهده هنرمندی ناشناس بود. این اثر در چاپخانه میرزا محمدباقر تاجر شیرازی (مطبعة محمدی) انتشار یافت (تصویر ۸). مشخصات ظاهری این شاهنامه عبارت است از: جلد کاملاً مرمتی، اما فرسوده و فاقد هرگونه آرایه تزئینی. جلد و شیرازه از یکدیگر جدا و در برخی موارد، ارتباط میان شیرازه و اوراق نیازمند مرمت است. کاغذ به احتمال

۱. محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۳۴۳۷۵. از این چاپ نمونه دیگری در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره ثبت ۵۰۶۸۷ نگهداری می‌شود.

۲. محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۴۳۱۴۶. از این چاپ نمونه‌های دیگری در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره ثبت ۱۷۸۶، ۴۵۷۳۱ و ۱۸۰۴ نگهداری می‌شود.

۳. محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۴۲۹۷۶. از این چاپ نمونه دیگری در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره ثبت ۳۸۷۲۳ نگهداری می‌شود.

فراوان از نوع فرنگی و به رنگ نخودی است. هر صفحه دارای شش ستون می‌باشد که اشعار به خط نستعلیق درون آن‌ها جای گرفته و توسط جدولی دوخطی احاطه شده‌اند. ابعاد هر برگ $21,5 \times 31,5$ cm، ابعاد نوشتار متن $16,5 \times 27$ cm و هر صفحه دارای ۳۷ سطر است. این چاپ در مجموع ۷۸۶ صفحه دارد: ۳ صفحه عنوان و فهرست سلاطین، ۱۱ صفحه دیباچه، ۲ صفحه هجونه، ۷۱۶ صفحه مربوط به چهار جلد (جلد اول: ۱-۱۶۸، جلد دوم: ۱-۱۳۶، جلد سوم: ۱-۱۴۳، جلد چهارم: ۱-۲۶۹)، ۴۲ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۱۲ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۵۶ تصویرسازی اثر هنرمندی ناشناس است.

۱۲۹۱ق کانپور! نهمین نسخه چاپ سنگی مصور شاهنامه، ۱۲۹۱ق در کانپور و به سعی و اهتمام منشی نولکشور، با کتابت وزیر علی انجم و تصویرگری قائم علی مصور و وزیر علی انجم، در چاپخانه منشی نولکشور انتشار یافت (تصویر ۹). گویا نولکشور پیشتر نیز به چاپ شاهنامه‌ای در ۱۲۸۷ق اقدام کرده بود، چنانکه در دو صفحه پایانی اشعاری کوتاه به این موضوع اشاره دارند. از این‌رو، کمیابی آن چاپ، نولکشور را به انتشار شاهنامه‌ای دیگر مصمم ساخت. مشخصات ظاهری این شاهنامه عبارت است از: جلد مقوایی با روکش کاغذی، فاقد آرایه‌های تزیینی و دچار فرسودگی. عطف با پارچه سبز مرمت شده و متعاقباً اتصال نسبتاً مطلوبی میان جلد، شیرازه و اوراق برقرار است. کاغذ به احتمال فراوان از نوع فرنگی و به رنگ نخودی است. هر صفحه دارای شش ستون است که اشعار به خط نستعلیق درون آن‌ها جای گرفته و توسط جدولی دوخطی احاطه شده‌اند. ابعاد هر برگ $24,5 \times 40$ cm و ابعاد نوشتار متن $20,5 \times 33,3$ cm در ۳۷ سطر است. این چاپ در مجموع ۶۳۸ صفحه دارد: ۱۴ صفحه دیباچه، ۲ صفحه هجونه، ۵۵۸ صفحه مربوط به چهار جلد (جلد اول: ۱-۱۶۸، جلد دوم: ۱۶۹-۲۸۸، جلد سوم: ۲۸۹-۴۳۱، جلد چهارم: ۴۳۲-۵۵۸)، ۵۰ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۱۲ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه، ۲ صفحه خاتمه الطبع. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۵۸ تصویرسازی اثر قائم علی مصور و وزیر علی انجم است.

۱۳۰۱ق لکهنو! دهمین نسخه چاپ سنگی مصور شاهنامه، ۱۳۰۱ق در لکهنو منتشر شد. این شاهنامه به سعی و اهتمام منشی نولکشور، با کتابت حامد حسین و تصویرگری هنرمندی ناشناس، در چاپخانه منشی نولکشور (اوده اخبار) انتشار یافت (تصویر ۱۰). مشخصات ظاهری این شاهنامه عبارت است از: جلد تماماً مرمت شده با گالینگور طوسی و فاقد آرایه تزیینی. اتصال میان جلد، شیرازه و اوراق مطلوب است. کاغذ به احتمال فراوان از نوع فرنگی و به رنگ نخودی می‌باشد. هر صفحه دارای چهار ستون است که اشعار به خط نستعلیق درون آن‌ها جای گرفته و توسط جدولی تک خطی احاطه شده‌اند. ابعاد هر برگ 18×28 cm و ابعاد نوشتار متن $14,5 \times 25$ cm در ۲۹ سطر است. این چاپ در مجموع ۱۲۲۵ دارد: ۱ صفحه عنوان، ۸ صفحه فهرست جلد اول، ۲ صفحه فهرست سلاطین، ۱۹ صفحه دیباچه، ۳ صفحه هجونه، ۱۰۷۰ صفحه شامل چهار جلد (جلد اول: ۱-۲۷-۳۳۳ بعلاوه ۱ صفحه غلطنامه بعلاوه ۴ صفحه فهرست مطالب، جلد دوم: ۱-۲۱۸ بعلاوه ۸ صفحه فهرست مطالب، جلد سوم:

۱. محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۴۴۷۷۵.

۲. محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۲۶۰۵۵. از این چاپ نمونه‌های دیگری در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره ثبت ۱۷۸۰، ۱۷۸۱ و ۴۸۱۰۴ نگهداری می‌شود.

۲۸۹-۱ بعلاوه ۷ صفحه فهرست مطالب، جلد چهارم: ۱-۲۳۷، ۹۵ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۲۵ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه، ۲ صفحه خاتمه الطبع. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۵۸ تصویرسازی اثر هنرمندی ناشناس است. **۱۳۰۷ق تهران!** یازدهمین نسخه چاپ سنگی مصور شاهنامه، ۱۳۰۷ق در تهران منتشر شد. این شاهنامه به سعی و اهتمام حاجی محمدحسین تاجر کتابفروش کاشانی، با کتابت حاجی محمدرضا خاقانی محلاتی (ملقب به صفا و سلطان‌الکتاب) و تصویرگری مصطفی در چاپخانه میرزا حبیب‌الله انتشار یافت (تصویر ۱۱). مشخصات ظاهری این شاهنامه عبارت است از: جلد مقوایی با روکش تیماج قهوه‌ای با آرایه تزئینی جدول دوخطی ضربی. با وجود پارگی نسبی در ناحیه عطف، اتصال میان جلد، شیرازه و اوراق در وضعیت مطلوبی قرار دارد. کاغذ از نوع فرنگی به رنگ نباتی است. هر صفحه دارای شش ستون می‌باشد که اشعار به خط نستعلیق درون آن‌ها جای گرفته و توسط جدولی سه‌خطی احاطه شده‌اند. ابعاد هر برگ 20×32 cm و ابعاد نوشتار متن 18×27 cm در ۳۳ سطر است. این چاپ در مجموع ۷۰۲ صفحه دارد: ۱ صفحه عنوان، ۲ صفحه فهرست سلاطین، ۱۴ صفحه دیباچه، ۲ صفحه هجونه، ۶۱۴ صفحه متن چهار جلد (جلد اول: ۲۰-۲۰۲، جلد دوم: ۲۰۳-۳۳۴، جلد سوم: ۳۳۵-۴۹۵، جلد چهارم: ۴۹۶-۶۳۴)، ۵۸ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۹ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه، ۱ صفحه یادداشت پایانی. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۶۲ تصویرسازی اثر مصطفی است.

۱۳۱۴ق کانپور! دوازدهمین نسخه چاپ سنگی مصور شاهنامه، ۱۳۱۴ق در کانپور منتشر شد. این شاهنامه به سعی و اهتمام منشی نولکشور، با کتابت وزیر علی انجم و تصویرگری هنرمندی ناشناس و به‌سرپرستی منشی پراگ نراین در چاپخانه منشی نولکشور انتشار یافت (تصویر ۱۲). مشخصات ظاهری این شاهنامه عبارت است از: جلد تماماً مرمتی با گالینگور سبز کمرنگ و فاقد هرگونه آرایه تزئینی. اتصال میان جلد و شیرازه در وضعیتی مطلوب قرار دارد، اما پیوند میان اوراق و شیرازه در مواردی نیازمند مرمت است. اوراق آغازین دچار پارگی شده و لبه‌های آن‌ها نشانه‌های اسیدی و شکنندگی دارد. برش‌هایی که ظاهراً به‌منظور مرمت در هر سه طرف اوراق ایجاد شده، تا حدودی از ابعاد اصلی کتاب کاسته است. کاغذ، از نوع فرنگی و به رنگ نخودی است. هر صفحه دارای چهار ستون است که اشعار به خط نستعلیق درون آن‌ها جای گرفته و تمامی ستون‌ها با جدولی دوخطی محصور شده‌اند. ابعاد هر برگ 19×30 cm و ابعاد نوشتار 14×24 cm است و هر صفحه شامل ۲۹ سطر می‌باشد. این چاپ در مجموع ۱۲۲۰ صفحه دارد: ۱ صفحه عنوان، ۸ صفحه فهرست جلد اول، ۳ صفحه فهرست سلاطین، ۱۹ صفحه دیباچه، ۳ صفحه هجونه، ۱۰۶۵ صفحه متن چهار جلد (جلد اول: ۲۷-۳۳۲ بعلاوه ۴ صفحه فهرست مطالب، جلد دوم: ۱-۲۱۸ بعلاوه ۸ صفحه فهرست مطالب، جلد سوم: ۱-۲۸۶ بعلاوه ۷ صفحه فهرست مطالب، جلد چهارم: ۱-۲۳۷)، ۹۵ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۲۵ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه، ۱ صفحه خاتمه الطبع. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۵۸ تصویرسازی اثر هنرمندی ناشناس است.

۱. محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۳۸۴۷۷. از این چاپ نمونه‌های دیگری در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره ثبت ۱۷۸۲، ۴۵۳۸۸ و ۹۲۱۲ نگهداری می‌شود.

۲. محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۴۷۷۰۷ و ۵۱۴۸۷.

۱۳۱۵ق بمبئی! سیزدهمین نسخه چاپ سنگی مصور شاهنامه، ۱۳۱۵ق در بمبئی منتشر شد. کتابت این شاهنامه در شهرهای اصفهان، بمبئی و شیراز انجام گرفت و انتشار آن با وقفه‌ای زمانی میان سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۱۵ق همراه بود. این اثر به فرمایش سید محمد شیرازی، به اهتمام میرزا ابراهیم شیرازی و با دستکاری میرزا آقا فرصت شیرازی، به چاپ رسید. کتابت نسخه بر عهده مرتضی حسینی برفانی و علیرضا خراسانی بود و تصویرگری آن توسط سید یحیی انجام شد و چاپ آن سرانجام در چاپخانه ناصری صورت پذیرفت (تصویر ۱۳). مشخصات ظاهری این شاهنامه عبارت است از: جلد مقوایی با روکش تیماج قهوه‌ای صرفاً برخوردار از آرایه تزئینی جدول زنجیره‌ای ضربی. جلد و عطف از یکدیگر جداست، اما ارتباط مطلوبی میان اوراق و شیرازه برقرار شده است. کاغذ احتمالاً از نوع فرنگی، به رنگ نخودی می‌باشد. هر صفحه دارای شش ستون است که اشعار به خط نستعلیق درون آن‌ها جای گرفته و توسط جدولی سه‌خطی احاطه شده‌اند. ابعاد هر برگ ۳۲×۲۳cm و ابعاد نوشتار متن ۲۷×۱۸cm در ۳۷ سطر است. این چاپ در مجموع ۷۹۷ صفحه دارد: ۲ صفحه عنوان و فهرست سلاطین، ۱۱ صفحه دیباچه، ۲ صفحه هجونا، ۷۲۱ صفحه چهار جلد (جلد اول: ۱-۱۶۵، جلد دوم: ۱-۲۸۴، جلد سوم: ۲۸۵-۴۲۹، جلد چهارم: ۴۳۰-۵۵۶)، ۴۸ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۱۲ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه، ۱ صفحه خاتمه الطبع. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۵۷ تصویرسازی اثر سید یحیی است.

۱۳۱۶ق تبریز: چهاردهمین نسخه چاپ سنگی مصور شاهنامه، ۱۳۱۶ق در تبریز به سعی و اهتمام حاجی علی و با کتابت محمدعلی تبریزی (دلخون) و تصویرگری کربلایی حسن نقاش و عبدالحسین در چاپخانه حاجی علی انتشار یافت (تصویر ۱۴). مشخصات ظاهری این نسخه از شاهنامه عبارت است از: جلد مقوایی با روکش تیماج مشکی و دارای آرایه‌های تزئینی ترنج و سرترنج طلایی کوچک در مرکز و جدول سه‌خطی ضربی. به واسطه مرمت در ناحیه عطف، اتصال جلد، شیرازه و اوراق در وضعیت مطلوبی قرار دارد. به نظر می‌رسد از ابتدا و انتهای نسخه چندین برگ افتاده باشد و لبه‌های برخی اوراق نیز مرمت شده‌اند. کاغذ از نوع فرنگی و به رنگ نخودی است. هر صفحه دارای شش ستون است که اشعار به خط نستعلیق در این ستون‌ها جای گرفته و هر ستون با جدولی سه‌خطی محصور شده است. ابعاد هر برگ ۳۴,۵×۲۱,۵cm و ابعاد نوشتار متن ۲۷,۵×۱۷cm است و هر صفحه دارای ۳۳ سطر می‌باشد. این چاپ در مجموع ۷۰۰ صفحه دارد: ۲ صفحه فهرست سلاطین، ۱۵ صفحه دیباچه، ۳ صفحه هجونا، ۶۱۴ صفحه چهار جلد (جلد اول: ۲۱-۲۰۲، جلد دوم: ۲۰۳-۳۳۴، جلد سوم: ۳۳۵-۴۹۵، جلد چهارم: ۴۹۶-۶۳۴)، ۵۸ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۸ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۶۲ تصویرسازی اثر کربلایی حسن نقاش و عبدالحسین است.

۱. محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۱۷۸۵. از این چاپ نمونه‌های دیگری در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره ثبت ۳۱۵۴۱، ۳۹۸۵۹، ۵۰۵۲۳، ۹۰۳۸، ۳۹۵۰۴، ۱۸۰۳ و ۹۲۱۷ نگهداری می‌شود.

۲. محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۶۳۲۱. از این چاپ نمونه دیگری در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره ثبت ۳۸۴۹۷ نگهداری می‌شود.

۱۳۲۶ق تهران! پانزدهمین نسخه چاپ سنگی مصور شاهنامه، ۱۳۲۶ق در تهران منتشر شد. این چاپ به سفارش حسین پاشاخان امیر بهادار، با نظارت اجرایی علی‌خان ارشدالدوله و نظارت علمی عبدالعلی کاشانی (بیدگلی) و کتابت محمدحسین عمادالکتاب قزوینی و تصویرگری حسینعلی، محمدکاظم و علی‌خان نقاش (میرزا علیخان سپاهانی) و با همکاری استادان چاپ میرزا عباس و میرزا حسن، پیگیری نهایی میرزا اسمعیل خان عمادالممالک تفرشی و اهتمام میرزا محمود خوانساری در چاپخانه آقا سید مرتضی صورت گرفته است. بر اساس تاریخ‌های گوناگون ثبت‌شده در سراسر این چاپ، آغاز کتابت آن ۱۳۱۹ق و پایانش ۱۳۲۲ق بوده است. با این حال، به دلیل نامشخص که به احتمال قریب به یقین نشئت گرفته از اوضاع سیاسی ایران، به‌ویژه جریان مشروطه بود، انتشار این اثر تا ۱۳۲۶ق به تعویق افتاد (تصویر ۱۵). مشخصات ظاهری این چاپ از شاهنامه عبارت است از: جلد مقوایی با روکش تیماج مشک‌ی و فاقد هرگونه آرایه تزئینی. ارتباط میان جلد، شیرازه و اوراق در وضعیت مطلوبی قرار دارد. کاغذ به‌کاررفته از نوع فرنگی، به رنگ نخودی مایل به نباتی است. در هر صفحه، شش ستون دوخطی مشاهده می‌شود که اشعار به خط نستعلیق درون آن‌ها جای گرفته و تمامی ستون‌ها توسط جدولی دوخطی احاطه شده‌اند. عناوین فرعی داستان‌ها با قلمی درشت‌تر درون کادری نوشته شده که غالباً بخشی از دو ستون را شامل می‌شود. ابعاد هر برگ 43×32 cm و ابعاد نوشتار متن 31.5×20 cm در ۳۳ سطر است. این چاپ در مجموع ۷۰۷ صفحه دارد: ۲ صفحه مقدمه، ۱۸ صفحه دیباچه، ۲ صفحه در مدح مظفرالدین‌شاه، ۵۸۲ صفحه چهار جلد (جلد اول: ۱-۱۷۲، جلد دوم: ۱-۱۲۴، جلد سوم: ۱-۱۵۳، جلد چهارم: ۱-۱۳۳)، ۸۵ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۱۶ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه، ۱ صفحه فهرست سلاطین، ۱ صفحه تصویر حسین پاشاخان امیربهادار. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۴۱ تصویرسازی اثر حسینعلی، محمدکاظم و علی‌خان نقاش (میرزا علیخان سپاهانی) است.^۲

۱۳۲۷ق کانپور: هفدهمین نسخه چاپ سنگی مصور شاهنامه، ۱۳۲۷ق در کانپور منتشر شد. این نسخه با سعی منشی نولکشور و اهتمام منشی بهگوان دیال و به سرپرستی منشی پراگ نراین، توسط کاتب و تصویرگری ناشناس، در چاپخانه‌ای که به منشی نولکشور تعلق داشت به چاپ رسید (تصویر ۱۷). مشخصات ظاهری این نسخه عبارت است از: جلد مقوایی با روکش پارچه قهوه‌ای و فاقد هرگونه آرایه تزئینی. عطف کتاب آسیب دیده، اما اتصال جلد، شیرازه و اوراق در وضعیت مطلوبی قرار دارند. کاغذ، احتمالاً از نوع فرنگی و به رنگ نخودی می‌باشد. هر صفحه شامل چهار ستون است که اشعار به خط نستعلیق درون آن‌ها جای گرفته و تمامی ستون‌ها با جدولی تک خطی محصور شده‌اند. ابعاد هر برگ 32.5×19 cm و ابعاد نوشتار 24.5×14 cm در ۲۹ سطر است. این چاپ در مجموع ۱۲۲۲ صفحه دارد: ۱ صفحه عنوان، ۸ صفحه فهرست جلد اول، ۳

۱. محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۴۹۳۷. از این چاپ نمونه‌های دیگری نیز در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره ثبت ۵۰۸۶۰، ۴۱۹۲۱، ۳۹۵۰۵، ۳۹۵۰۶ و ۱۶۶۰۰ نگهداری می‌شود.

۲. شاهنامه بهاداری با سایر شاهنامه‌های مصور تولیدی در هند و ایران دارای چندین تفاوت است: ۱. از نظر ابعاد، بزرگ‌ترین نسخه مصور تولید محسوب می‌شود. ۲. تعداد تصویرسازی‌ها نسبت به نمونه‌های قبلی کاهش یافته است. ۳. شیوه خلق تصویرسازی‌ها به سبک اروپایی تهیه شده و بیان فردی شخصیت‌ها، نمایش واقع‌گرایانه منظره‌ها و پرسپکتو در آن مدنظر بوده است (مارزلف، ۲۰۰۳، ص. ۱۸).

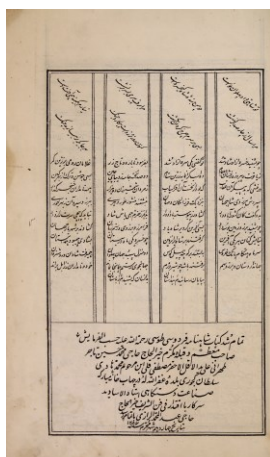
۳. محفوظ در گنجینه رضوی با شماره ثبت: ۴۴۷۷۲. از این چاپ نمونه‌های دیگری در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره ثبت ۴۸۳۲۵-۴۸۳۲۴، ۵۱۴۸۵-۵۱۴۸۶ و ۵۱۵۵۴ نگهداری می‌شود.

صفحه فهرست سلاطین، ۱۹ صفحه دیباچه، ۳ صفحه هجونه، ۱۰۶۵ صفحه شامل چهار جلد (جلد اول: ۲۸-۳۳۲ بعلاوه ۴ صفحه فهرست مطالب، جلد دوم: ۱-۲۱۸ بعلاوه ۸ صفحه فهرست مطالب، جلد سوم: ۱-۲۸۶ بعلاوه ۷ صفحه فهرست مطالب، جلد چهارم: ۱-۲۳۷)، ۹۵ صفحه خاتمه (حکایات الحاقی)، ۲۵ صفحه فرهنگ الفاظ نادره و اصطلاحات غریبه، ۳ صفحه خاتمه الطبع. این چاپ از شاهنامه برخوردار از ۵۸ تصویرسازی اثر هنرمندی ناشناس است.

جدول ۱. پراکنش شاهنامه‌های مصور چاپ‌سنگی در کانون‌های هند و ایران

نشر	محل	چاپخانه	بانی	مهتم	کاتب	تصویرساز	تصاویر	صفحات	ابعاد
۱۲۶۲ق	بمبئی	کنیت‌راوکر شناجی	محمد مهدی اصفهانی	ناشناس	سیدرضا حسینی شیرازی	ناشناس	۵۷	۱۲۶۷	cm۲۲×۳۲
۱۲۶۶ق	بمبئی	کنیت‌راوکر شناجی	محمدباقر شیرازی	رتنجی کاوس جی صراف	سیدرضا حسینی شیرازی	میرزا علی‌اکبر	۵۸	۱۲۶۱	cm۱۹×۲۹,۵
۱۲۶۷ق	تهران	عبدالمحمد رازی	محمدحسین طهرانی	ناشناس	مصطفی قلی سلطان کجوری	میرزا علی‌قلی خویی	۵۷	۱۱۷۴	cm۱۹,۵×۳۳
۱۲۷۲ق	بمبئی	دادومیان دهایی	محمدباقر شیرازی	ناشناس	محمد ابراهیم اولیاءسمیع شیرازی	سید محمد حسینی شیرازی	۵۸	۷۰۴	cm۲۴,۵×۳۷,۵
۱۲۷۵ق	بمبئی	محمدباقر شیرازی (محمدی)	محمد صادق شیرازی	میرزا مطلب	سید عبدالکریم طباطبایی اصفهانی/ محمد شیرازی	میرزا محمدعلی	۵۸	۶۳۵	cm۲۷×۴۲,۵
۱۲۷۵ق	تبریز	مشهدی حاجی اقا تبریزی	ناشناس	محمدتقی نخجوانی	عسکر اردوبادی	استاد ستار	۵۷	۸۴۱	cm۲۲×۳۵
۱۲۷۶ق	بمبئی	دادومیان دهایی	ناشناس	محمد ابراهیم اولیاءسمیع شیرازی	محمد ابراهیم اولیاءسمیع شیرازی	میرزا علی‌اکبر	۵۹	۷۱۸	cm۲۲×۳۳
۱۲۷۶ق	بمبئی	محمدباقر شیرازی (محمدی)	محمد صادق شیرازی	ناشناس	سید عبدالکریم طباطبایی اصفهانی/ محمد رضا شیرازی	ناشناس	۵۶	۷۸۶	cm۲۱,۵×۳۱,۵
۱۲۹۱ق	کانپور	منشی نولکشور	منشی نولکشور	منشی نولکشور	وزیر علی انجم	قائم علی مصور، وزیر علی انجم	۵۸	۶۳۸	cm۲۴,۵×۴۰
۱۳۰۱ق	لکهنو	منشی نولکشور (اوده اخبار)	منشی نولکشور	منشی نولکشور	حامد حسین	ناشناس	۵۸	۱۲۲۵	cm۱۸×۲۸
۱۳۰۷ق	تهران	میرزا حبیب الله	محمدحسین کاشانی	محمدحسین کاشانی	محمد رضا خاقانی محلاتی (صفا)	مصطفی	۶۲	۷۰۲	cm۲۰×۳۲
۱۳۱۴ق	کانپور	منشی نولکشور (اوده اخبار)	منشی نولکشور	منشی نولکشور	وزیر علی انجم	ناشناس	۵۸	۱۲۲۰	cm۱۹×۳۰,۵
۱۳۱۵ق	بمبئی	ناصری	سید محمد شیرازی	میرزا ابراهیم شیرازی	مرتضی حسینی برقانی/ علیرضا خراسانی	سید یحیی	۵۷	۷۹۷	cm۲۳×۳۲
۱۳۱۶ق	تبریز	حاجی علی	ناشناس	حاجی علی	محمدعلی تبریزی (دلخون)	کربلایی حسن نقاش، عبدالحسین	۶۲	۷۰۰	cm۲۱,۵×۳۴,۵
۱۳۲۶ق	تهران	اقا سید مرتضی	حسین پاشا خان امیر بهادر	میرزا محمود خوانساری	محمدحسین عمادالکتاب قزوینی	حسینعلی، محمد کاظم، علی خان نقاش	۴۱	۷۰۷	cm۳۲×۴۳
۱۳۲۶ق	شاش	غلامی حسنی	ناشناس	ملا سید اکبر/ ملا مرتضی	ملا عبدالغفور (ملا اوتب)	رحمت الله بن ملا عبدالشکور/ ملا عبدالغفور	۴۴	۵۶۶	cm۲۲,۵×۳۳
۱۳۲۷ق	کانپور	منشی نولکشور	منشی نولکشور	منشی بهگوان دیال	ناشناس	ناشناس	۵۸	۱۲۲۲	cm۱۹,۵×۳۲,۵

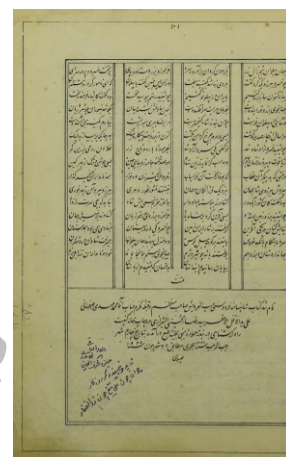
یادداشت‌های پایانی / صفحات عنوان شاهنامه‌های مورد بررسی



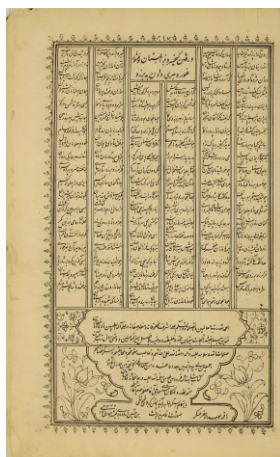
تصویر ۳: شاهنامه ۱۲۶۷ق



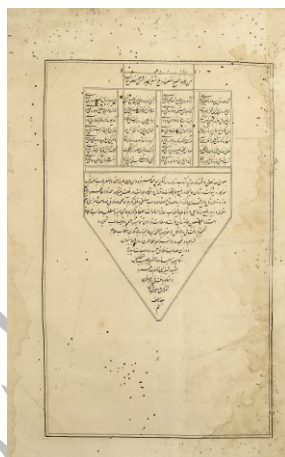
تصویر ۲: شاهنامه ۱۲۶۶ق



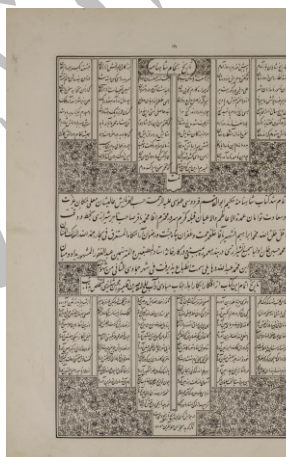
تصویر ۱: شاهنامه ۱۲۶۲ق



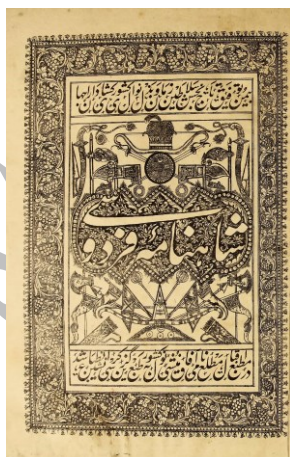
تصویر ۶: شاهنامه ۱۲۷۵ق



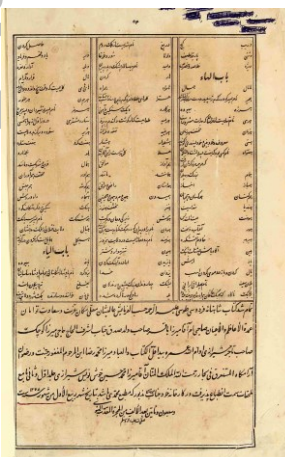
تصویر ۵: شاهنامه ۱۲۷۵ق الف



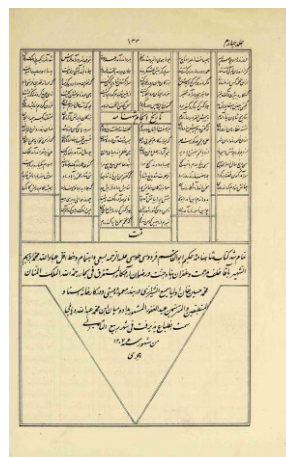
تصویر ۴: شاهنامه ۱۲۷۱ق



تصویر ۹: شاهنامه ۱۲۹۱ق



تصویر ۸: شاهنامه ۱۲۷۶ق



تصویر ۷: شاهنامه ۱۲۷۶ق الف

تحول در درک و دریافت شاهنامه

در بررسی سیر تحول مواجهه عمومی با شاهنامه، تمایز میان دو شیوه اصلی دریافت آن اهمیت بنیادین دارد: دریافت شفاهی در سنت پیش از چاپ و دریافت فردی و مستقیم در عصر چاپ. پیش از رواج چاپ در ایران و هند، آشنایی عامه با داستان‌های شاهنامه عمدتاً از طریق نقل شفاهی، شاهنامه‌خوانی و اجرای راویان صورت می‌گرفت. در این بستر، مخاطب بیش از آنکه خواننده مستقیم متن باشد، شنونده روایت بود و فهم او از شاهنامه در پیوند با صدای راوی، شیوه اجرا، حافظه جمعی و فضای اجتماعی نقل شکل می‌گرفت. بدین ترتیب، شاهنامه در مقام متنی حماسی، نه صرفاً از راه نوشتار، بلکه از خلال اجرا، شنیدن و بازآفرینی جمعی تداوم می‌یافت. با گسترش چاپ، این الگوی دریافت به تدریج دگرگون شد. چاپ، امکان دسترسی فردی و مستقیم به متن شاهنامه را برای طیف گسترده‌تری از مخاطبان فراهم کرد و خواننده را از وابستگی کامل به راوی و مجلس نقل بیرون آورد. مخاطب اکنون می‌توانست نسخه‌ای از شاهنامه را در اختیار داشته باشد و با متن روبه‌رو شود، نحوه خواندن را خود تنظیم کند، در ابیات درنگ کند، به بخش‌های پیشین بازگردد و میان متن و تصویر ارتباط برقرار سازد. از این‌رو، چاپ شاهنامه به‌ویژه در قالب مصور، تنها به تکثیر و انتشار وسیع‌تر اثر نینجامید، بلکه کیفیت مواجهه با آن را نیز تغییر داد و مخاطب را از شنونده عمدتاً پذیرنده به خواننده فعال و مداخله‌گر بدل ساخت. در این میان، شاهنامه‌های مصور چاپی، به شیوه چاپ سنگی، جایگاهی تعیین‌کننده داشتند. تصویر در این نسخه‌ها صرفاً عنصری تزئینی نبود، بلکه بخشی از سازوکار خوانش به شمار می‌آمد. تصاویر به فهم رخدادها، تشخیص شخصیت‌ها، برجسته‌سازی لحظه‌های مهم روایت و ایجاد پیوند میان متن نوشتاری و دریافت بصری یاری می‌رساندند. این‌چنین، شاهنامه‌های چاپ سنگی مصور رسانه‌ای ترکیبی پدید آوردند که در آن متن و تصویر در کنار یکدیگر تجربه‌ای تازه از مواجهه با حماسه ملی فارسی را شکل می‌دادند. تجربه‌ای که نه کاملاً ادامه سنت نسخه‌های خطی بود و نه صرفاً محصول فناوری چاپ، بلکه حاصل هم‌نشینی سنت ادبی، حافظه تصویری، ذوق مخاطب و امکانات رسانه‌ای جدید به شمار می‌رفت.

با این‌همه، در بررسی شاهنامه‌های مصور چاپی نمی‌توان خط تمایزی روشن و قطعی میان چاپ‌های ایرانی و هندی ترسیم کرد. بسیاری از شاهنامه‌هایی که در هند چاپ می‌شدند، تنها برای مخاطبان داخلی آن سرزمین تولید نمی‌گردید، بلکه بخشی از آن‌ها به ایران ارسال می‌شد و در چرخه‌های خریدوفروش، خوانش و مصرف فرهنگی فارسی‌زبانان ایرانی قرار می‌گرفت. بنابراین، محل چاپ یک نسخه به‌تنهایی نمی‌تواند معیار کافی برای تعیین قلمرو مخاطبان، کارکرد فرهنگی یا وابستگی کامل آن به یک سنت محلی باشد. افزون بر این، تولید شاهنامه‌های فارسی مصور در هند خود در بستری فرامنطقه‌ای شکل می‌گرفت، زیرا شماری از مصححان، خوشنویسان و هنرمندان فعال در چاپخانه‌های هند، اصالتاً ایرانی و به‌ویژه شیرازی بودند. حضور آنان نشان می‌دهد که چاپ‌های هندی شاهنامه در فضایی جدا از سنت ایرانی پدید نیامدند، بلکه در امتداد شبکه‌ای گسترده از مناسبات ادبی، هنری و تجاری میان ایران و هند قرار داشتند. از سوی دیگر، اهمیت شاهنامه برای جوامع زرتشتی هند نیز در تحلیل چاپ‌های هندی نباید نادیده گرفته شود. برای این جوامع، شاهنامه تنها متنی ادبی یا تاریخی نبود، بلکه نقشی هویتی داشت و پیوند آنان را با گذشته ایرانی و حافظه فرهنگی موطن نیاکانشان استوار می‌کرد.

در زمینه انتشار شاهنامه‌های مصور در ایران نیز نکته قابل تأمل آن است که سلطنت فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار که مقارن با ورود چاپ سنگی به ایران بود، گویا علاقه‌ای آشکار به بهره‌گیری از فناوری‌های جدید چاپ برای انتشار گسترده شاهنامه

نشان ندادند. این بی‌اعتنایی نسبی از آن رو اهمیت دارد که شاهنامه مصور، به‌عنوان حماسه ملی فارسی، می‌توانست در چارچوب سیاست‌های فرهنگی و بازنمایی اقتدار سلطنتی جایگاهی برجسته داشته باشد. نقطه عطف در تاریخ چاپ سنگی شاهنامه مصور در ایران با پادشاهی ناصرالدین‌شاه پدید آمد. او در آغاز پادشاهی، سفارش تهیه نخستین شاهنامه چاپ سنگی ایران را صادر کرد و بدین ترتیب، این اثر در قالب رسانه‌ای تازه وارد چرخه‌ای رسمی‌تر از تولید و تکثیر شد. با این‌همه، حمایت درباری ناصرالدین‌شاه نیز سبب نشد که ایران بلافاصله به مرکز اصلی چاپ شاهنامه بدل شود. هرچند در دوره او دو چاپ مصور دیگر از شاهنامه در ایران انتشار یافت، هند همچنان جایگاه خود را به‌عنوان مهم‌ترین مرکز تولید و نشر این حماسه فارسی حفظ کرد. از این‌رو، تاریخ چاپ شاهنامه در سده سیزدهم هجری را باید در پیوند با شبکه‌ای فراتر از مرزهای ایران بررسی کرد. شبکه‌ای که در آن چاپخانه‌های هند، از نظر شمار چاپ‌ها، استمرار تولید و پاسخ‌گویی به تقاضای مخاطبان فارسی‌زبان، نقشی تعیین‌کننده داشتند.

با این حال، در هر دو حوزه ایران و هند، شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی از حیث اجتماعی نیز با نسخه‌های مصور خطی تفاوتی مهم داشتند. نسخه‌های خطی مصور غالباً برای دربارها، شاهزادگان یا حامیان وابسته به ساختارهای نخبه‌گرا تولید می‌شدند، اما شاهنامه‌های چاپ سنگی مخاطبان و مالکان گسترده‌تری یافتند و بیش از پیش در دسترس طبقات متوسط و عامه باسواد قرار گرفتند. در این وضعیت، تصویرگری کتاب دیگر صرفاً تابع سفارش درباری نبود، بلکه با منطق بازار کتاب، ذوق خریداران، توان اقتصادی مخاطبان، خواست چاپخانه‌داران و انتظارات مصرف فرهنگی گروه‌های اجتماعی گوناگون پیوند می‌یافت. بنابراین، انتخاب صحنه‌ها، برنامه تصویرسازی، شیوه اجرای نقش‌ها و حتی ترکیب‌بندی صفحات می‌توانست تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل هنری، اقتصادی و اجتماعی باشد. بدین ترتیب، شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی انشتاریافته در هند و ایران را باید حاصل تلاقی چند روند همزمان دانست: تداوم سنت ادبی و تصویری شاهنامه، گسترش فناوری چاپ، شکل‌گیری بازار تازه برای کتاب فارسی، جابه‌جایی مخاطب از شنونده به خواننده و پیوندهای فرامنطقه‌ای میان ایران و هند. در مجموع آنچه مشهود است، شاهنامه‌های مصور تولیدی در این دو حوزه جغرافیایی نه تنها در انتشار گسترده‌تر شاهنامه حتی در میان اقشار فاقد سواد سهم داشتند، بلکه شیوه خواندن، دیدن و فهم آن را نیز دگرگون کردند و نقشی مهم در گذار شاهنامه از فضای روایت شفاهی و حمایت درباری به عرصه مصرف عمومی و خوانش فردی توأم با درک گفتمان مکتوب در قالب گفتمان بصری ایفا نمودند.

در این فرایند، تصویر نه تنها نقش عنصر تزئینی یا مکمل متن را بر عهده داشت، بلکه به مثابه واسطه‌ای تفسیری عمل می‌کرد که مفاهیم، رخدادها، شخصیت‌ها و تنش‌های روایی شاهنامه را برای مخاطب عینی‌تر و قابل‌فهم‌تر می‌ساخت. این چنین، خواننده در هنگام مواجهه با نسخه‌های مصور چاپ سنگی، صرفاً با زنجیره‌ای از واژگان و ابیات روبه‌رو نبود، بلکه متن را در ارتباطی هم‌زمان با نشانه‌های دیداری، ترکیب‌بندی‌ها، حالات پیکره‌ها و انتخاب صحنه‌های تصویری دریافت می‌کرد. این هم‌نشینی متن و تصویر سبب می‌شد که فرایند خواندن به تجربه‌ای چندلایه تبدیل شود. تجربه‌ای که در آن فهم ادبی، ادراک بصری و تخیل روایی در کنار یکدیگر شکل می‌گرفتند و مخاطب می‌توانست معنای اثر را نه فقط از طریق خواندن، بلکه از راه مشاهده و تفسیر تصاویر نیز بازسازی کند. از این‌رو، نسخه‌های مصور در انتقال شاهنامه از فضای روایت جمعی و شفاهی به حوزه خوانش فردی نقشی مؤثر ایفا کردند و در عین حال نشان دادند که گفتمان مکتوب می‌تواند در پیوند با گفتمان بصری، صورت‌های تازه‌ای از معنا، دریافت و مشارکت فرهنگی را در عرصه جغرافیای هنری تولید شاهنامه پدید آورد.

نتیجه‌گیری

شاهنامه‌های مصور چاپ‌سنگی فارسی، محفوظ در گنجینه رضوی، صرفاً مجموعه‌ای از چاپ‌های پراکنده نیستند، بلکه شواهد عینی شکل‌گیری یک نظام تولید، انتقال و مصرف فرهنگی محسوب می‌شوند که در آن شاهنامه از میراثی عمدتاً درباری، شنیداری و نسخه‌پردازانه به رسانه‌ای عمومی، دیداری و فرامنطقه‌ای بدل شد. بررسی پانزده چاپ در بازه ۱۲۶۲-۱۳۲۷ق آشکار ساخت که چاپ سنگی در تاریخ شاهنامه نه نقطه گسست از سنت نگارگری، بلکه صورت تازه‌ای از تداوم آن در شرایط فنی، اقتصادی و اجتماعی عصر چاپ است. در این جریان، متن فردوسی، تصحیح ماکان، مهارت خوشنویسان، ذوق تصویرگران، ابتکار چاپخانه‌داران به‌مثابه فعالان شبکه تولید و تقاضای بازار فارسی‌زبانان در هند و ایران در یک منظومه به‌هم‌پیوسته عمل کرده‌اند. در این بین، مرز میان شاهنامه‌های تولید هند و ایران را نمی‌توان جغرافیای هنری جدای از یکدیگر دانست و صرفاً بر پایه محل چاپ ترسیم نمود، زیرا حضور پررنگ کاتبان، ناشران و هنرمندان ایرانی، به‌ویژه شیرازیان، در بمبئی و دیگر کانون‌های شبه‌قاره، همراه با گردش نسخه‌ها در بازار ایران، نشان می‌دهد که این آثار محصول جغرافیایی سیال از همکاری‌های هنری، تجاری و هویتی بوده‌اند. از این منظر، هند نه حاشیه تولید شاهنامه، بلکه یکی از کانون‌های اصلی بازتولید حماسه ملی فارسی در عصر چاپ است و چاپخانه‌هایی چون بمبئی، کانپور و لکهنو در کنار تهران و تبریز، در تثبیت الگوهای بصری و کتاب‌آرایی شاهنامه نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند. تصویر در این نسخه‌ها نه آرایه‌ای افزوده بر متن، بلکه سازوکاری تفسیری برای هدایت خوانش، تشخیص شخصیت‌ها، برجسته‌سازی لحظه‌های روایی و تبدیل روایت منظوم به تجربه‌ای همزمان نوشتاری و دیداری بوده است. بدین ترتیب، مخاطبان چاپ‌سنگی دیگر تنها شنونده روایت شاهنامه‌خوانان یا تماشاگر شکوه نسخه‌های درباری نبودند، بلکه به خواننده‌ای فعال بدل شده که می‌توانستند متن را در مالکیت فردی، درنگ شخصی و تعامل با تصویر تجربه کنند. متعاقباً این جریان در عمومی‌سازی شاهنامه، گسترش سواد بصری، تثبیت حافظه فرهنگی و شکل‌دهی به ذائقه تصویری مخاطبان قاجاری سهمی بنیادین داشت. یافته‌های این پژوهش به پرسش آغازین خود، یعنی بازسازی خط سیر تکوین و پراکنش شاهنامه‌های مصور در کانون‌های هند و ایران، پاسخ داده و نشان می‌دهد که تکوین این سنت از پیشگامی فنی و متنی هند آغاز شد، در ایران با اقتباس، بازآرایی و بومی‌سازی ادامه یافت و در نهایت به الگویی نسبتاً پایدار از شاهنامه مصور فارسی انجامید.

بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که مطالعات انجام‌شده درباره شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی فارسی، عمدتاً در دو مسیر حرکت کرده‌اند: یا به معرفی محدود شماری از آثار بسنده پرداخته‌اند، یا با تمرکز بر چند تصویر و مقایسه تصویری‌های چند کتاب، به مطالعه‌ای موردی توجه داشته‌اند. در بیشتر این پژوهش‌ها نیز توجه اصلی معطوف به تعداد محدودی از شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی بوده و تحلیل‌ها غالباً در سطح توصیف ویژگی‌های بصری، شناسایی برخی مضامین و تبیین رابطه تصویر با روایت متنی باقی مانده است. در نتیجه، تصویری جامع از روند شکل‌گیری، تحول، تداوم و پراکنش این گونه از تولیدات تصویری در دست نیست. پژوهش حاضر، در مقایسه با مطالعات پیشین، توانست از محدوده معرفی نمونه‌های منفرد فراتر رود و شاهنامه‌های مصور چاپ سنگی فارسی را در چارچوبی تاریخی و پیوسته بررسی کند. یافته‌های این پژوهش، ضمن تکمیل، تدقیق و اصلاح بخشی از اطلاعات موجود، امکان ترسیم خط سیری نسبتاً منسجم از تکوین و گسترش این آثار را فراهم آورد. بر این اساس، شاهنامه‌های چاپ سنگی نه مجموعه‌هایی پراکنده و منفصل، بلکه بخشی از فرایند گسترده‌تر تولید،

بازتولید و گردش روایت‌های حماسی در فرهنگ بصری ایران به شمار می‌آیند. این پژوهش با گردآوردن داده‌های پراکنده، توجه به تنوع نسخه‌ها و زمینه‌های اجتماعی تولید، مبنایی برای مطالعات بعدی فراهم می‌کند. از این‌رو، اهمیت پژوهش حاضر تنها در یافته‌های آن نیست، بلکه در پرسش‌های چندگانه‌ای است که مطرح می‌نماید از جمله، نسبت دقیق تصویرهای چاپ‌سنگی با نسخه‌های خطی پیشین، مسیرهای مهاجرت هنرمندان، نقش جوامع زرتشتی هند در حمایت و بهره‌گیری از شاهنامه، اقتصاد نشر فارسی در شبه‌قاره و چگونگی انتخاب صحنه‌های تصویری است که همگی نیازمند پژوهش‌های تطبیقی، آرشیوی و میان‌رشته‌ای مستقل می‌باشند.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله از مدیریت محترم اداره مخطوطات آستان قدس رضوی و نیز همکاران ارجمند بخش مخزن چاپ سنگی و دیجیتال‌سازی که با همکاری و مساعدت خود امکان دسترسی به منابع ارزشمند این مرکز را فراهم ساختند، صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- اصلانیان، صبح دیوید. (۱۳۹۹). *ظهور اولیه چاپ در عصر صفوی: نگاهی نو به نخستین چاپخانه ارمنیان در جلفای نو*. ترجمه مصطفی لعل شاطری. قم: وراقان.
- افشار، ایرج. (۱۳۴۷). *کتاب‌شناسی فردوسی*. تهران: انجمن آثار ملی.
- بابازاده، شهلا. (۱۳۷۸ش). *تاریخ چاپ در ایران*. تهران: طهوری.
- تمیم‌داری، احمد. (۱۳۸۸). «تأثیر شاهنامه فردوسی بر آثار حماسی غرب». *زبان و ادب پارسی*. (شماره ۴۲)، ۶۵-۸۵.
- رفاعی، عبدالجبار. (۱۴۱۴ق). *معجم‌المطبوعات عربیه فی ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شاو، ج.و. (۱۳۸۶). «چاپ و چاپخانه (در هند دوره اسلامی)». ترجمه ابراهیم موسی‌پور. *دانشنامه جهان اسلام*. ج ۱۱. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- شچگلوا، المپادا. (۱۳۸۸ش). *تاریخ چاپ سنگی در ایران*. ترجمه پروین منزوی. تهران: معین.
- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۷۴). «شاهنامه‌های چاپ سنگی». *میراث فرهنگی*. (شماره ۱۴)، ۸-۱.
- صمدی، هاجر؛ لاله‌ای، نعمت. (۱۳۸۸). *تصاویر شاهنامه فردوسی به روایت میرزا علی‌قلی خویی*. تهران: متن.
- عقیل، معین‌الدین. (۱۳۹۱). «تاریخچه چاپ کتاب‌های فارسی در شبه قاره هند». ترجمه عارف نوشاهی. *آینه میراث*. (شماره ۲۵)، ۱-۵۷.
- غلامی‌جلیسه، مجید. (۱۳۹۰). «تحقق رؤیای چاپ فارسی در شرق به دست چارلز ویلکینز». *پیام بهارستان*. (شماره ۱۳)، ۱۰۲۹-۱۰۲۰.
- غروی، مهدی. (۱۳۵۰). «کتاب‌های فارسی چاپ هند و تاریخچه آن». *هنر و مردم*. (شماره ۱۰۲-۱۰۳)، ۲۶-۳۶.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۲۴۵ق). *شاهنامه*. ج ۱. تصحیح ترنر ماکان. کلکته: پیرس صاحب.

لعل شاطری، مصطفی. (۱۴۰۴). «ظهور و استقرار چاپ سربی در مشهد (۱۳۲۰-۱۳۴۴ق)». کتابداری و اطلاع‌رسانی. (شماره ۱۱۰)، ۲۱۲-۱۸۱.

لعل شاطری، مصطفی. (۱۴۰۱). «واکاوی تکنیک چاپ سنگی در دوره قاجار با تکیه بر تصویرسازی میرزا علی‌قلی خویی (ملزومات اولیه، ویژگی‌های فنی، عوامل اجرایی)». پژوهشنامه مطالعات نسخ خطی. (شماره ۱)، ۲۰۳-۲۳۰.

مارزلف، ال‌ریش؛ محمدی، محمدهادی. (۱۳۸۴). آلبوم شاهنامه. تهران: چیستا.

References

- Afshar, Iraj. (1968). *A Bibliography of Ferdowsi*. Tehran: Anjoman-e Āthār-e Melli. (in Persian)
- Aqeel, Moinuddin. (2009). "Commencement of Printing in the Muslim World: A View of Impact on Ulama at Early Phase of Islamic Moderate Trends". *Kyoto Bulletin of Islamic Area Studies*. (2), 10-21.
- Aqeel, Moinuddin. (2012). "A History of the Printing of Persian Books in the Indian Subcontinent." Translated by 'Aref Nushahi. *Mirror of Heritage*, (25), 1-57. (in Persian)
- Aslanian, Sebouh David. (2020). *The early arrival of print in saffavid Iran*. Translated by Mostafa La'l Shateri. Qom: Varaqan. (in Persian)
- Babazadeh, Shahla. (2000). *The History of Printing in Iran*. Tehran: Tahuri. (in Persian)
- Bruce, Gregory Maxwell. (2022). "Persian Studies in India and the Colonial Universities, 1857-1947". *Iranian Studies*. (55), 719-740.
- Ferdowsi, Abu al-Qasim. (1829). *Shahnameh*. vol. 1. Edited by Turner Macan. Calcutta: Pīrs Šāhib. (in Persian)
- Floor, Willem. (1980). "The First Printing-Press in Iran". *Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft*. (130), 369-371.
- Floor, Willem. (1999). "Maṭba'a". *Encyclopaedia of Islam*. Vol 6. Leiden: Brill.
- Gharavi, Mehdi. (1971). "Persian Books Printed in India and Their History." *Art and People*. (102-103), 26-36. (in Persian)
- Gilmour, Pat. (1996). "Lithography". *The Dictionary of Art*. ed. Jane Turner. New York: Oxford University Press.
- Gholami-Jaliseh, Majid. (2011). "The Realization of the Dream of Persian Printing in the East by Charles Wilkins." *Payām-e Bahārestān*, (13), 1020-1029. (in Persian)
- Green, Nile. (2010a). "Persian Print and the Stanhope Revolution: Industrialization, Evangelicalism, and the Birth of Printing in Early Qajar Iran". *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*. (30), 473-490.
- Green, Nile. (2010b). "Stones from Bavaria: Iranian Lithography in its Global Contexts". *Iranian Studies*. (43), 305-331.
- Hodgson, John. (2020). "'Spoils of Many a Distant Land': The Earls of Crawford and the Collecting of Oriental Manuscripts in the Nineteenth Century". *The Journal of Imperial and Commonwealth History*. (48), 1011-1047.
- Jahn, Karl. (1970). "Paper Currency in Iran: A Contribution to the Cultural and Economic History of Iran In the Mongol Period". *Journal of Asian History*. (4), 101-135.
- Karagozoglu, Berna. (2015). "Service and Contribution of Naval Kishore Press to Persian". *Turkish Studies*. (10), 619-626.

- Khanbaghi, Aptin. (2006). *The Fire, the Star and the Cross: Minority Religions in Medieval and Early Modern Iran*. New York: I.B.Tauris.
- Lanzillo, Amanda. (2018). "Printing princely modernity: Lithographic design in Muslim-ruled princely states". *South Asian Popular Culture*. (16), 245-252.
- La'li Shateri, Mostafa. (2025). The Advent and Consolidation of Movable-Type Printing in Mashhad (1902-1925 CE). *Library and Information Sciences*. (110), 181-212. (in Persian)
- La'li Shateri, Mostafa. (2022). Delving into Lithographic Technique in the Qajar Period Based on Mīrzā 'Alī-Qulī Khūi's Illustration (Basic Requirements, Technical Features and Executive Factors). *Journal of Manuscript Studies*. (1), 203-230. (in Persian)
- Marzolph, Ulrich. (1999). "Bahram Gur's spectacular marksmanship and the art of illustration in Qajar lithographed books". *Studies in Honour of Clifford Edmund Bosworth: The Sultan's Turret: Studies in Persian and Turkish Culture*. ed. C. Hillenbrand. Leiden.
- Marzolph, Ulrich. (2001). *Narrative Illustration in Persian Lithographed Books*. Leiden: Brill.
- Marzolph, Ulrich. (2002). "Early Printing History in Iran (1817-1900)". *Middle Eastern Languages and the Print Revolution: A Cross-Cultural Encounter*. ed. E. Hanebutt-Benz. Westhofen: katalog Gutenberg Museum Mainz.
- Marzolph, Ulrich. (2003). "Illustrated Persian Lithographic Editions of the Shāhnāme". *Edebiyat*. (13), 177-198.
- Marzolph, Ulrich. (2006). "The Last Qajar Shahname: The Shahname-ye Bahadori". *Shahnama Studies*. ed. C. Melville. Cambridge.
- Marzolph, Ulrich; Mohammadi, Mohammad Hadi. (2005). *Shahnameh Album*. Tehran: Chista. (in Persian)
- Marzolph, Ulrich. (2007). "Persian Incunabula: A Definition and Assessment". *Gutenberg-Jahrbuch*. (82), 205-220.
- Marzolph, Ulrich. (2009). "The Lithographed Kalīlah wa Dimnah. Illustrations to Tales from the Kalīlah wa Dimnah and Anvār-i Suhaylī Tradition in Lithographed Editions of the Qajarr Period". *Islamic Art*. (6), 213-281.
- Marzolph, Ulrich. (2011). "Persian illustrated lithographic book". *The beginnings of printing in the Near and Middle East: Jews, Christians and Muslims*. Wiesbaden.
- Marzolph, Ulrich. (2012). "The Shahnama in Print: Lithographed Editions of the Persian National Epic". *Heroic Times: A Thousand Years of the Persian Book of Kings*. ed. J. Gonnella/C. Rauch. Berlin/Munich.
- Rifa'i, 'Abd al-Jabbar. (1994). *Dictionary of Arabic Printed Works in Iran*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Persian)
- Robinson, Francis. (1993). "Technology and Religious Change: Islam and the Impact of Print". *Modern Asian Studies*. (27), 229-251.
- Safi-Nejad, Javad. (1995). "Lithographed Editions of the Shahnameh." *Cultural Heritage*. (14), 1-8. (in Persian)
- Samadi, Hajar; Lale'i, Ne'mat. (2010). The Illustrations of Ferdowsi's Shahnameh as Narrated by Mirza 'Ali-Qoli Khu'i]. Tehran: Matn. (in Persian)
- Shah, Zahra. (2017). "Sustaining Authority in Persian Lithographed Books: Publishers and Printing in North India, c. 1835-1857". *South Asian Studies*. (32), 137-148.
- Shaw, J. W. (2008). "Printing and the Printing Press (in Islamic India)." Translated by Ebrahim Musapur. *Encyclopaedia of the World of Islam*. vol. 11. Tehran: Foundation of the Islamic Encyclopaedia. (in Persian)
- Shcheglova, Olimpiada P. (1999). "Lithograph versions of Persian manuscripts of Indian manufacture in the nineteenth century". *Manuscripta Orientalia*. (5), 12-22.

Shcheglova, Olimpiada. (2010). *The History of Lithographic Printing in Iran*. Translated by Parvin Monzavi. Tehran: Mo'in. (in Persian)

Shcheglova, Olimpiada. (2012). "Lithography in India". *Encyclopædia Iranica*. online edition, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/lithography-ii-in-india>

Stark, Ulrike. (2007). *An Empire of Books: The Naval Kishore Press and the Diffusion of the Printed Word in Colonial India*. Ranikhet: Permanent Black.

Story, C. A., (1933). 'The Beginnings of Persian Printing in India'. *Honour of Cursetji Erachji Pavry*. London: Oxford University Press.

Tamimdari, Ahmad. (2010). The impact of the works of epic Shahnameh West. *Literary Text Research*. (42), 65-85. (in Persian)

Yadav, Manoj Kumar. (2021). "Early nineteenth-century Hindi/ Urdu/ Hindustani translations and the politics of emerging linguistic categories". *Translation Studies*. (14), 206-224.

Zutphen, Marjolijn van. (2009). "Lithographed Editions of Firdawsi's Shahnama: A Comparative Study". *Oriens*. (37), 65-101.